



حماسه مبارزه، مقاومت و شهادت
رفیق بیژن جزنی و همسرزمانش
همیشه الهام بخش مبارزان راه
رهائی طبقه کارگر و زحمتکشان
میهن ما خواهد بود — صفحه ۱۲

روز اول اردیبهشت
سال روز مقاومت
دانشجویان انقلابی
و رسوائی حکومت
جمهوری اسلامی

بدون شک، جنبش دموکراتیک و انقلابی دانشجویان در تاریخ مبارزات خلقهای میهنمان، مقام و نقش ارزنده ای ایفا کرده است. از دورانی که دانشجویان بعنوان یک قشر اجتماعی شکل گرفتند، صفحیات تاریخ مبارزات توده های میهنمان، مملو از حماسه ها و فداکاریهای کسم نظیری است که توسط دانشجویان انقلابی بقیه در صفحه ۲



آیت الله خمینی:
بعضی از اینها آن رفیق
خودشان را شکنجه میکنند
برای اینکه بگویند

مادادیم!!!

صفحه ۲۳

در این شماره

● جنبش جهانی

● جنبش کارگری

● از میان نامه های کارگران

● خیانت های حزب توده

انجمن اسلامی کارخانه

ابزار فریب و توطئه
حزب جمهوری اسلامی

مبارزات طبقه کارگر از قیام تا کنون در عرصه های گوناگون با افت و خیرها بی همچنان ادامه داشته است. کارگران در جریان مبارزات خویش با ارگانهای ضد کارگری نظیر مدیریت، انجمن اسلامی، وزارت - کار، دستگاه های سرکوب و... روبرو روبرو گردیده اند. آنها خود در تجارب روزمره شان آموخته هایی بسیار کسب میکنند. بقیه در صفحه ۵

اول اردیبهشت
تداوم راه سرخ ۱۶ آذر
صفحه ۹

برای گسترش مبارزه ضد امپریالیستی اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)
را به روز مبارزه علیه سرکوب و اختناق و ایجاد شوراهای انقلابی
تبدیل کنیم

بقیه از صفحه ۱

روز اول اردیبهشت

سالروز مقاومت

وترقی خواه برای آنها بی و بیست و نه سال
سیاسی و اجتماعی مردم کشور ما بر سر
ظهور رسیده است. در تاریخ کشور ما
هر قدر که مبارزات توده ها علیه طبقات
ارتجاعی و ضد انقلابی و حکومتها
آنان تکامل یافته و به پیش تاخسته
است، جنبش دانشجویی در این مبارزات
نقش و اهمیت بیشتری کسب کرده است.
زیرا در طول این دوران همواره تعداد
بیشتری از فرزندان طبقات و اقشار
و ستم دیده جامعه به دانشگاہها راه یافته
و نیز ایده های انقلابی و ترقی خواهانه
بطور مداوم گسترش و نفوذ بیشتری در
پهنه دانشگاہها پیدا نموده اند. از
اینرو مثلثانقشی را که دانشجویان در دهه
اخیر، در مبارزات دموکراتیک - ضد
امپریالیستی توده های میهن ما بر
عهده گرفتند، بهیچوجه قابل مقایسه
با دوره های قبلی نبوده است.

توده های ستم دیده خلق ما، هیچگاه
فرا موش نخواهند کرد که جنبش انقلابی
دانشجویی در ده سال گذشته، چه نقش پر
اهمیتی را در سیاسی کردن جوامع
جامعه ارتقاء آگاه و دعوت توده های
مردم بعرصه مبارزه سیاسی و اقتصادی
ایفاء کرده اند. روحیه انقلابی و مبارزه
جویانه، شهادت و شجاعتی که دانشجویان
در این دوره از خود نشان دادند، گامهای
استوارند که آنها را در گامهای دیگر، در
سازماندهی و اعطای جنبش خلق به جلو
برداشته اند، موجب آن شده که در آن
به حق دانشگاہها بعنوان سنگر آزادی و
دفاع از منافع خلق شناخته گردند.

پس از اوچگیری انقلاب و سرنگونی
رژیم مفسور شاه، دانشجویان به همراه
استادان و کارکنان مبارزان دانشگاہها
بسرعت در صدد ایجاد شوراهای دانشگاہ
ها، تغییر نظام آموزشی بوسیله همیمن
شوراهای، حفظ و دفاع از شرایط دموکراتیک
برای فعالیت سیاسی، ایجاد کتبخانه ها
و دفاع از حقوق دانشجویی و غیره برآمدند. گسترش
سرکوب توده ها بوسیله حکومت جمهوری
اسلامی و دفاع از حکومت از منافع سرمایه
داران، ملاکین و آشکار شدن ماهیت شوری
انقلاب، حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها
هر روز تعداد بیشتری از دانشجویان را در
جهت افشای سیاستهای ضد مردمی

حاکمیت سوق میداد. بنا بر این سیاست
گذشت زمان، رشد آگاهیه سیاسی و اجتماعی
دانشجویان و نیز کسب تجربیات جدید،
رژیم جمهوری اسلامی تدریجا پایگاه
خود را در دانشگاہها و مراکز آموزش
دست داد. حزب جمهوری اسلامی
در ابتدای کار که گوشه های فراوانی
برای جلب دانشجویان بسوی خود
کار برده بود، نتوانست به عوام فریبی
ها خود ادامه دهد. دانشجویان بخوبی
دریافتند که خصمت دموکراتیک و خصلت
ضد امپریالیستی انقلاب خلقها را بران
غیر قابل تفکیک بوده و تلاش حزب
جمهوری اسلامی است که تحت عنوان
"مبارزه ضد امپریالیستی" - تمساح
دستاورد های دموکراتیک انقلاب را

نه تنها در دانشگاہها و مراکز آموزش
عالمی بلکه در سراسر کشورنا بودا خسته
ولگدما لگند، اما دانشجویان که
در طول مبارزات خود همواره به نگر
روح دموکراتیک و تفکراتی علیه نیروهای
سرکوبگر و ضد انقلابی بوده اند -
مقاومت و افشای سیاستهای حاکمیت
پر داد خنند. پس از گذشت بیش از یک سال
برای حزب جمهوری اسلامی این امر
دیگر ثابت رسیده بود که نمی توان
بوسیله تبلیغ و دروغ اکثریت
دانشجویان را فریفته و آنها را در
به تاخیر انداختن و خویشتن سازد. در
نتیجه رهبران حزب جمهوری اسلامی
که نسبت به جلوگیری از نفوذ سازمانهای
انقلابی و توسعه تفکرات و ایده های
انقلابی در میان دانشجویان و استادان
ما یوس شده بودند نقشه سرکوب خونین
دانشجویان و تعطیل دانشگاہها را
تحت بهانه انقلاب فرهنگی و "تغییر
نظام آموزشی" طرح و در اول اردیبهشت
سال ۵۹ در سراسر ایران با جسارت
آوردند. در این روز که نقطه عطفی در
مقاومت و مبارزه دانشجویان انقلابی
علیه رژیم جمهوری اسلامی بشمار میرود
با شکارترین وجه نشان داده شد که رژیم
نه تنها دارای هیچگونه پایگاهی در
میان اکثریت توده های دانشجویی
نیست بلکه در راه پیشبرد سیاستهای
ضد دموکراتیک خود با مقاومت همه
جانبه دانشجویان نیز مواجه خواهد
بود.

اگر چه طراحان اجرا کننده اصلی
سرکوب خونین و سراسر دانشجویان
در روزهای اول اردیبهشت حزب جمهوری
اسلامی بود اما لیبرالها نیز در این امر
وحدت و همنوایی خود را بطور کامل
و به وضوح نشان دادند. در جریان سرکوب
لیبرالها و در راه شان زنیس جمهور -
بنی صدر و وحدت خود را با سران حزب
نه تنها بوسیله بیانیه ها که متوالیا
توسط شورای انقلاب صادر میشد نشان
دادند بلکه حضور بنی صدر در دانشگاہ
تهران و در راه شان چاقو و باشان
چاقو بدست و قداره بند بنی نگرا بین
مطلب بود که بنی صدر علیرغم اختلافاتی
که بر سر شیوه عمل با حزب داشت، -
اساسا موافق با سرکوب و بجاگ و خون
کشیده شدن دانشجویان بود. مضمحلک
و خنده آور است که در آرزوهای بنی صدر
دانشجویان مبارزان متهم بنی صدر
تیراندازی بسوی یکدیگر نمود و اعلام
داشتند که عده ای از دانشجویان بنی
بعملت تیراندازی سپاه پاسداران -

بسوی آنان، بلکه در نتیجه تیراندازی
خود دانشجویان بسوی یکدیگر بوده است
اما علیرغم اینکه تبلیغات مسخره، که رژیم
برای پوشاندن اعمال ارتجاعی و ضد
انقلابی خود انجام میداد این سرکوب
نفرت انگیز در همه جا با اعتراض مواجه
شد. اقدامات رژیم در مورد دانشجویان
همچنان ادامه یافت. در جریان این
سرکوب جناحیتکارانه دهها تن از
دانشجویان آگاه و مبارزان شهید و هزاران
تن در سراسر کشور مجروح و با زدا شدت
شدند. سپس دانشجویان با زدا شدت
شده و معترض در زندانها و از متوسط
پاسداران بر کبار مسلسل بسته شدند.
در جریان این هجوم فاشیستی و دامنشانه
هشت تن از دانشجویان قهرمان، شهید
و بسیاری از آنها زخمی شدند. تعداد
دیگری از دانشجویان در استانها و
مناطق مختلف بوسیله "دادگاههای
انقلابی" به جرم دفاع از آزادیهای
سیاسی و حقوق دموکراتیک به جوخه های
اعدام سپرده شدند و صدها تن دیگر، پس
از تحمل شلاق و شکنجه به زندانهای
مختلف محکوم شدند. سپس نوبت به
خواجگاہهای دانشجویان رسید. همه
دانشجویان تحت بهانه های مختلف
وحشیانه و بی زورانه و سر نیزه پاسداران
و چماق داران حزب جمهوری اسلامی از
خواجگاہها بیرون رانده شدند. اما
این اقدامات نیز بسبب استقامت
نشد. دانشجویان انقلابی در همه جا با
اتحاد مبارزاتی خود با اقدامات
سرکوبگرانه رژیم پاسداران، آنها
با مقاومت و افشای سیاستهای
ما هیت رژیم را در برابر توده های فاش
ساختند. بدون تردید مبارزات دلاورانه
دانشجویان، نقش بس مهمی را در ارتقاء
سطح آگاهی توده ها و گسترش مبارزه
توده ای در برداشته است.

دانشجویان انقلابی سراسر میهن
روی سخن سازمان ما با شماست اکنون
قریب به یکسال از سرکوب خونین اول
اردیبهشت ماه ۵۹ و مقاومت
قهرمانان ما میگذرد. در ایام
با وجود آنکه بنی صدر و شکست سیاستهای
هیات حاکم به عین آشکار شده است
اما هنوز جناح حزب جمهوری اسلامی
بعنوان نیروی تعیین کننده سیاست
های حکومت جمهوری اسلامی همچنان
بر لزوم تحقق باصلاح "انقلاب فرهنگی"
اصرار می ورزد. معنای واقعی "انقلاب
فرهنگی" اساسا چیزی جز پاسمال
ساختن حقوق سیاسی و صنفی شما
نیست. تحقق "انقلاب فرهنگی" در
فاموس رهبران جمهوری اسلامی عبارت
از آنست که تا حد ممکن دانشجویان و
استادان انقلابی و متعهد به آرمان و منافع
خلق از دانشگاہها اخراج شده و نظام
دانشگاہی که ملاتع سیاسی آنها و اهداف
طبقاتی حزب جمهوری اسلامی گردد.
علیه این سیاست ضد انقلابی حاکمیت
در مورد دانشگاہها مبارزه بر خیزید.
ضرورت تحقق اهداف مبارزاتی خود

بقیه در صفحه ۲۲

استقلال - مبارز - آزادی



اعتصاب و کم کاری در مجتمع شمیانی

پارچین

کارگران مبارز پارچین (بیش از ۵۰۰ نفر) در اعتراض به اضافه شدن ساعت کار، و دادن پاداش به تعدادی از افسران ضدکارگر به اعتصاب و کم کاری دست زده اند. مبارزه کارگران همچنان ادامه دارد. روز دوشنبه ۱۳/۱/۶۵ پیروبخشنا مه ای از طرف دولت، یک ساعت به کار افزوده می شود و تعطیلی یک هفته در میان پنجشنبه ها نیز لغو می گردد و کارگران در برابر این حرکت ضدکارگری شدیداً به خشم آمده به اعتراض می پردازند. آنها تصمیم به مقاومت و مبارزه میگیرند. روز سه شنبه جلسه ای با حضور کارگران تشکیل می شود. سرهنگ اسکوتی مدیرعامل مجتمع به تعدادی نزدیک به ۲۵ نفر میلیتی پاداش جهت تشویق بابت اضافه تولید می پردازد. افسران ضدکارگر بوده و تعدادی در رژیم منفور شاه جزو اعضای ضد اطلاعات بوده اند و با این عمل کارگران را به افزایش تولید ترغیب می کند. بدین ترتیب می خواهد بهره کشی از کارگران را افزایش دهد. آتش نشان خشم کارگران منفجر می شود و کارگران با فریاد به اعتراض می پردازند و کم کاری می گویند "پدر ما در می آید ما تولید می کنیم، حقوق تشویقی برای اینها می آید، نه که اینها کم حقوق می گیرند" بقیه کارگران آنرا تائید می کنند و کارگران متحداً به اضافه کردن ساعت کار اعتراض می کنند و خواستار ساعت کار دو روز تعطیل می گردند. تعدادی از کارگران بدور اسکوتی جمع شده و معترضان او را سؤال پیچ می کنند. او چون بی خبر خود می لرزید کارگری به افشای شورای فرمایشی پرداخته و در مورد ضرورت تشکیل شورای انقلابی بوسیله خودش صحبت می کند. در پی این جریان کارگران افزایش و چند شعبه دیگر به اعتصاب پرداخته و تعدادی از کارخانجات دیگر نیز از آنها حمایت کرده و به کم کاری دست می زنند. کارگران تا تاریخ ۱۹ همچنان در حال مبارزه بسر می برند.

اکنون کارگران مبارز پارچین تنها با اتحاد دیوالدین خویش می توانند مبارزه را پیش برد و ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیل و دیگر خواست هایشان را بدست آورند. کارگران پیشرو باید هر چه بیشتر ایده اتحاد و تشکیلاتی بسمان بوده کارگران برند. مبارزه راسازی و یکپارچه کرده و با تبلیغ وسیع حول شکل کارگران در شورای جهت تشکیل آن گام بردارند. مبارزه متحد کارگران در شورای انقلابی ما من پیروزی کارگران است. بقیه در صفحه ۴



جنبش کارگری

واقعی خود را انتخاب کنند و شورای کارخانه را تشکیل دهند. بقیه شیوه های جدیدی متوسل شده است از یک طرف با کمک انجمن های اسلامی در درون کارخانجات و از سوی دیگر با فرستادن سپاه پاسداران و نماینده وزارت کار می خواهند برای کارگران شورا تشکیل دهند! آنها در واقع می خواهند رگانها را پدید آورند که بتوانند با همکاری مدیرینت و سپاه پاسداران و انجمن اسلامی مبارزات کارگران را درهم شکنند. ما کارگران در این مبارزه تسلیم نمی شویم کارگران در می آیند که با بد قاطعانه جهت آزادی و تشکیل شورا های انقلابی، تشکیل جلسات کارگری (مجمع عمومی) و بر علیه جو خفقان و سرکوب مبارزه کنند کارگران در می آیند که شورا از دل مبارزات آن ها بیرون آمده و نمایندگان کارگران با یاد آوری و دانسته توسط کارگران انتخاب شوند و شوراهای کارخانه برای انجام امور عمومی کارخانه با یاد آوری و دانسته در رژیم جمهوری اسلامی در این مبارزه با توسل به تعقیب، دستگیری، اخراج قادر به متوقف ساختن مبارزات کارگران نخواهد بود. مبارزات کارگران پارس مثال، پارس الکتریک ایران یا سا، مقاومت و پشتیبانی بی دریغ کارگران از نمایندگان منتخب خود، مویدا این نظر است اخبار زیر نمونه ای از موج مبارزات کارگران در کارخانجات کشور می باشد.

سال نو و موج مبارزات کارگری

در آغاز سال نو مبارزات کارگران همچنان ادامه دارد. هر چند این مبارزات هنوز گستردگی و ابعاد سراسری مبارزات اسفند ماه را پیدا نکرده است. اما مبارزات کارگری آن در چند روز گذشته نشان می دهد که طبقه کارگر به پیکار بی مان خود همچنان ادامه می دهد. مبارزات کارگران از یک سو برای گرفتن خواست های بحق خود از جمله سودویزه، پاداش تولید، ساعت کار، جریان دارد. اعتصاب کارگران ایران ناسیونال، اعتصاب در شرکت هوفمن (کفش ملی) اعتصاب در شرکت ایران کاوه، اعتصاب در کارخانه مهمات سازی، اعتصاب و کم کاری در کارخانه پارچین نمونه های چندی از این مبارزات در چند روز گذشته است.

کارگران در طول مبارزات چند ماه گذشته و مبارزات کنونی هر چه بیشتر به ضرورت اتحاد و تشکیلاتی واقعی خود پی برده اند. در همین رابطه کارگران در عمل به ما هیت نمایندگان سازشکار شورایی می برند. آنها در می آیند که جز با اتحاد تمام کارگران و تشکیلاتی واقعی یعنی شورا نمی توانند به خواسته های خود برسند. به همین دلیل در بخشی از کارخانجات کارگران برای تجدید انتخابات شوراها مبارزه می کنند. کارگران دریافته اند که جهت تشکیل شورا های انقلابی باید متحداً دست مبارزه بزنند تا قدرت متفرق خویش را متمرکز نمایند. از سوی دیگر رژیم جمهوری اسلامی که در چند ماه گذشته در مقابل موج قدرتمند مبارزات کارگران، ناتوانی خود را بعبینه نشان داده است. بسر شدت سرکوب مبارزات کارگران افزوده است. رژیم جمهوری اسلامی مقابل خواست بحق کارگران که می خواهند آزادانه نمایندگان

برای مقابله با توطئه های سرمایه داران (اخراج - تعطیل کارخانه و ...)

هیئت تحقیق کارگری برپا داریم

جنبش کارگری

اعتصاب در شرکت هوفمن

شرکت هوفمن، یکی از واحدهای گروه صنعتی کفش ملی است کارگران این شرکت که دو ماه قبل اعتصاب ده روزه‌ای برای دریافت پاداش تولید داشتند در پی قول مدیرعامل دایربر پرداخت پاداش تولید به سرکارها می‌گردند اما پس از دو ماه هنوز از پاداش تولید خبری نیست. روزیکشنبه ۱۶/۱ مجدداً کارگران دست به اعتصاب می‌زنند تمام کارگران کارخانه، یکپارچه در این اعتصاب شرکت داشتند کارگران کفش ملی نشان داده اند که حتی سرکوب وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی هم قادر نیست مبارزات آنان را متوقف کند آنها دریافت‌اند که تنها با مبارزات پیگیر و یکپارچه خود قادر خواهند بود حقوق خود را از دولت سرما به‌داران بگیرند. مبارزه کارگران همچنان ادامه دارد.

اعتصاب و اعتراض در مهمات سازی

در پی بخشنامه‌ای که از سوی مدیریت کارخانه دایربر اضا فاش شدن یک ساعت کار، ما در می‌شود کارگران دست به اعتراض می‌زنند آنها روزآشنه متحداً حدود سه ربع زودتر از تمام ساعت کار جلوی در ورودی جمع می‌شوند و با فشار بیش از حد خود در برابر شکسته‌ها و از کارخانه خارج می‌شوند. مبارزه کارگران همچنان ادامه می‌یابد روز پنجشنبه ۱۰/۲۰ کارگران کارخانه ۵۱۰ و ۵۱۱ گروه ۲ برای اعتراض به اضا فاش شدن ساعات کار و عدم تعطیل پنجشنبه مدت ۱/۵ ساعت دست از کار کشیدند سرهنگ یزدانی تلفنی با نما بنده آنها صحبت می‌کند و کارگران را تهدید می‌کند در صورتیکه به کارآدمه ندهند حقوق آنها کسر خواهد شد و بعد تحویل دادگاه انقلاب داده می‌شوند اما کارگران مصمم اند که متحد و یکپارچه مبارزه را تا پیروزی ادامه دهند.

پارس متال

در پی مبارزات کارگران پارس -

متال برای دریافت ۲۰روز سودویژه کم کاری در کارخانه آغاز می‌شود مدیر کارخانه طی اطلاعیه‌ای از کارگران می‌خواهد که برای بالابردن تولید بکوشند و زودتر از ساعت مقرر کار را تعطیل نکنند. کارگران به این اطلاعیه توجهی نمی‌کنند و مدیر کارخانه که تیرش به سنگ خورده بود و کارگران دیگر فریب "شرایط جنگی و احتیاج مملکت" وغیره را نمی‌خورند، در اطلاعیه دیگری به تهدید کارگران متوسل می‌شود تا شاید بتوسیله کارگران را وادار به عقب نشینی کند عکس العمل کارگران در مقابل این اطلاعیه تهدیدآمیز یک چیز بود: آنها که قبلاً یک ربع زودتر کار را تعطیل می‌کردند پس از صدور اطلاعیه ۲۵ دقیقه زودتر دست از کار کشیدند

* * *

کارگران پارس متال که در جریان مبارزه به ماهیت عده‌ای از نمایندگان شورایی برده بودند به مبارزه گسترده‌ای جهت اخراج سه تن از این نمایندگان از شوراست زنده. تحت فشار کارگران این سه تن وادار به استعفا می‌شوند. در پی این حرکت کارگران برای تکمیل شورا تلاش می‌کنند. کارگران سعی می‌کنند که نمایندگان خود را از بین افرادی انتخاب کنند که در جهت منافع آنان عمل کنند. در پی این مبارزات کارگران، مدیران ضدکارگردان دفتر مرکزی متحمن شده و خواهان اخراج ۲ نفر از اعضای باقی مانده شورا و گرفتن تعهد اخراج کارگران پیشرو و انقلابی می‌شوند وزارت کارحامی سرما به‌داران اعلام می‌کند، که هر شورائی که بدون نظارت و دخالت ما تشکیل گردد قداً اعتبار است. اما کارگران دریافت‌اند که شورائی که وزارت کار تشکیل دهد تنها بنفع سرما به‌داران گام برمی‌دارد آنها پی برده اند که شورا اذ دل مبارزات کارگران بیرون آمده و باید مبارزات کارگران را هدایت کند و اعضای چنین شورائی تنها باید آزادانه توسط کارگران انتخاب شوند مبارزه کارگران برای تشکیل شورای انقلابی ادامه دارد.

پارس الکتریک

روز چهارشنبه ۱۹ فروردین، بوشهری به اتفاق دو نماینده وزارت کار جهت رسیدگی به کارشورای کارخانه به کرج می‌روند آنها ابتدا سعی می‌کنند کارگران را متقاعد سازند که می‌بایستی یک هیئت ۵ نفره مرکب از ۲ نماینده مدیریت، ۲ نماینده شورا و یک نماینده وزارت کار برای نظارت بر عملکرد شورا بوجود بیاید و روند آنها با تشکیل چنین

هیئتی که حداقل سه نفرشان جزو عوام سرمایه داران هستند می‌خواهند سدی در مقابل مبارزات کارگران ایجاد کنند در صورتیکه شورای کنونی کارخانه راهم اعضای سازشکار تشکیل می‌دهند. کارگران و هیئت نظارت انتخابات شورا در مقابل آنها قرار می‌گیرند مجمع عمومی تشکیل می‌شود یکی از اعضای هیئت نظارت برای کارگران سخنران می‌کند و ماهیت این حرکت وزارت کار را برای کارگران توضیح می‌دهد او ماهیت این حرکت وزارت کار را برای کارگران توضیح می‌دهد و ضمن صحبت‌ها پیش توضیح می‌دهد که نمایندگان وزارت کار بدعوت اعضا انجمن اسلامی که عضو شورای کارخانه هستند به کارخانه آمده اند کارگران دست به اعتراض گسترده می‌زنند نمایندگان وزارت کار سعی می‌کنند با سراه انداختن رای گیری در صوف کارگران تفرقه ایجاد کنند اما کام می‌شوند، کارگران موفق می‌شوند که نمایندگان وزارت کار را مجبور به ترک کارخانه نمایند در ضمن کارگران تصمیم می‌گیرند که یک مجمع عمومی مشترک بین کارگران کارخانه تهران و کرج برگزار کنند و تصمیم نهائی را اتخاذ نمایند.

حیت تهران (با فکر)

در کارخانه با فکر قبیل از عید کارگران مبارزات پراکنده‌ای برای دریافت ۲۰روز سودویژه علاوه بر دو ماه داشته اند. عده‌ای از کارگران هم با مراجعه به شورا و مدیریت فضای ۲۰روز سود را مطرح کرده اند. قبل از تصویب قانون ۲۰روز توسط مجلس هر با رکه به مدیر مراجعه می‌بند بر حتمی خود را بیگناه نشان داده و میگفت این قانون تصویب نشده و از آنجا که دولت بستن هر نوع قرارداد بین کارگر و کارفرما را منوط به اطلاع دولت کرده، من نمیتوانم ۲۰ روز سود را بپردازم. مدیر با فکر بخوبی پیوند سرما به‌داران و دولت آنان را نشان میداد. او با استفاده از این بهانه از پرداخت ۲۰روز سود به کارگران سرباز می‌زند. پس از تصویب قانون پرداخت این مقدار سودویژه به کارگران، مدیر مسئله را به بعد از تعطیلات موکول کرده روز دوشنبه ۱۰ فروردین عده‌ای از کارگران با مراجعه به دفتر مدیریت خواستار دریافت سود شدند. مدیر عامل که هوا را پس میدید شروع به ناله و زاری کرده و اعلام کرد که سود کم بوده و نمیتواند حق کارگران را بپردازد. اعتراض کارگران با فکر برای دریافت ۲۰روز سودویژه که بخشی از دستمزدشان است، ادامه دارد.

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه‌ها برچیده شود



انجمن اسلامی کارخانه

ابزار فریب و توطئه حزب جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۱

لیکن شناخت ماهیت این ارگانها برای طبقه کارگر، و در نتیجه اتخاذ موضع صحیح و پرولتاریائی ضروری میباشد. از آنجا که انجمن اسلامی بعنوان ارگانی که پس از قیام پدید آمده و در نتیجه نسبتا ناشناخته است، بررسی عملکردها و تحلیل آن بیش از پیش لازم است. ماسعی میکنیم بطور مختصر عملکرد و وضعیت این ارگان را از ابتدا تا کنون مورد بررسی قرار دهیم.

پس از قیام دو جناح بورژوازی حاکمیت، لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی هر یک میکوشند سیاستهای خود را در سطح جامعه به پیش ببرند. کارخانجات نیز از این مرستثنی نیست. از سویی لیبرالها در بیشترین ارتباط با مدیریت این ارگان تنظیم تولید قرار میگيرند. از سویی دیگر انجمنهای اسلامی با بهره گیری از فقدان سازمان بایستی های واقعی طبقاتی کارگران در دوران دیکتاتوری و به تبع آن نبود تجربه تشکیلاتی، توهما ت مذهبی کارگران پس از قیام با رهنمودهای حزب جمهوری اسلامی ایجاد میگرددند. پائین بودن سطح آگاهی طبقاتی پرولتاریا، ذهنیت شدید مذهبی حاکم بر توده کارگران در مقطع قیام، سبب میگردد که انجمنها طیف وسیعی از کارگران را در برگیرند. بدین ترتیب انجمنها در ابتدا از هیچگونه انسجام برخوردار نبوده و حتی سیاستهای گوناگونی در آن اجرا میشود. لیکن بتدریج حزب جمهوری اسلامی با در اختیار گرفتن نزدیک به تمام انجمنها، آنها را به کانونی برای پیشبرد سیاستهای خود بدل میکنند. اکنون اگرچه هنوز انجمنها از انسجام کامل برخوردار نبوده و به شکل یک سیستم در دنیا مده اند، اما با تغذیه از حزب جمهوری اسلامی به زائده آن تبدیل شده اند. اکنون فریب سه اتفاق انجمنهای اسلامی پیشبرد سیاستهای حزب را هر آنجا که حضور داشته، بعهده دارند. بطور کلی عملکرد انجمنهای اسلامی تا کنون در دو زمینه یعنی فعالیتهای فرهنگی و مشارکت در مدیریت تا حد در دست گرفتن کامل آن یا بعبارت دیگر در وظیفه عمده

فریب، توطئه، سرکوب و ایجاد جو اختناق خلاصه میشود در زمینه فرهنگی آنها در واقع بشکل نوعی از ارگانهای فرهنگی بورژوازی بشمار میروند. فعالیتهای آنها تا سیس کتابخانه، تهیه و پخش نشریات مربوط به خود، ... و بالاخره مهمترین آن یعنی برگزاری جلسات سخنرانی و دعوت از مبلغین مذهبی را شامل میشود. مضمون این حرکت اشاعه نظرات حزب جمهوری و جلب کارگران بدانها من زنده توهم کارگران و از اینزاویه جلوگیری از تعرض به نظم موجود و کمک به بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته است. در تمام سخنرانی ها نشی که در این مدت بوسیله انجمنها برگزار شده ضمن بهره برداری از احساسات مذهبی کارگران، بیشترین سمپاشی بر علیه نیروهای انقلابی صورت گرفته و اطاعت از حاکمیت، امیدوار بودن و چشم داشتن به حاکمیت برای بهبود وضع، تولید بیشتر و توقع کمتر وسیعاً تبلیغ شده است. بدین ترتیب انجمنها خدا کسرتلاشان را برای بازداشتن کارگران از مبارزه انقلابی انجام داده اند.

در زمینه دیگر عملکرد انجمنهای اسلامی، میتوان از دخالت در مدیریت را نام برد. انجمنها در تمام طول حرکتشان خواهان مشارکت در مدیریت تا حد قبضه کردن موربوه اند. اما سطح خواست آنها را در دخالت در مدیریت عمدتاً تقاضاهای دو جناح بورژوازی حاکم و جایگاه حزب جمهوری اسلامی در حاکمیت مشخص میکند. اسلامی مدیران "مکتبی" جایگزینی مدیران "انقلابی" را مدبران لیبرال "از ابتدا مورد توجه انجمن بوده و پس از پیروسی ای بیشتر مطرح میگردد. این حرکت انجمنها به تبعیت از حزب جمهوری، نه هدف تغییر سیستم مدیریت و رابطه آن با کارگران، بلکه حفظ سیستم و فقط در اختیار داشتن آنرا در نظر داشته است. بعبارتی انجمنها همواره بر حفظ نظم سرمایه داران تولید و جلوگیری از تعرض کارگران بدان تاکید داشته اند. و بدین ترتیب آنها همواره در مقابل شوراها ثقی انقلابی کارخانجات که از موضعی انقلابی بدخالت در نظم تولیدی پرداخته اند،

۱- از قیام تا جریان سفارت

همچنانکه گفتیم پس از قیام با شکلگیری انجمنهای اسلامی روبرو هستیم. این ارگانها ابتدا در روزرات خانه ها، ارتش و کارخانجات بزرگ و با بعبارتی در نقاط استراتژیک ایجاد میشوند. در این دوره و بخصوص در ابتدای آن انجمنها از پایتیه توده ای نسبتاً وسیعی برخوردار هستند

بقیه در صفحه ۶

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

پنجم از صفحه ۵

در درون انجمنها حداکثرنا همکوسی وجود داشته و کارگران با هر سطح از آگاهی (غیرسوسیالدمکراتیک) در آن حضور دارند. اما در اغلب موارد کسانی در راس انجمنها قرار میگیرند که یا هیچگونه سابقه مبارزاتی نداشته و یا جزو خدمتکاران پرزیم پیش بوده اند. بدلیل همین طیف نامهمکون است که در کنایه سیاست حزب جمهوری که در نهایت بر انجمنها غلبه دارد، گرایشها و جریانهای - مترقی و انقلابی نیز وجود داشته و حتی هدایت پاره ای انجمنها را در دست دارند.

در جریان موج مبارزات طبقه کارگرنا مقطع سفارت غالب انجمنها در برابر مبارزات، موضعی منفعل دارند، آنها بدلیل بالابودن سطح مبارزاتی ناشی از شور و شعور حاصل از قیام و جو نسبات دمکراتیک حاکم بر جامعه و نیز ترکیب خویش قادر به رویارویی با اعتراضات کارگران نیستند. مبارزات کارگران عمدتاً از طریق شوراها هدایت میگردد، چرا که انجمنها با وجود پایه توده ای خویش، تشکلهای مذهبی شمارفته که مبنای منافع و مبارزات عینی و مادی - کارگران شکل نگرفته اند. البته در همین دوره تعدادی از انجمنها که

رهبری آنها را نیروهای چگون مجاهدین خلق در دست دارند، در حرکات کارگری سهم داشته اند. در این دوره جلسات سخنرانی سوسیله این کارگرانها بطور مداوم و در بسیاری از کارخانجات هر هفته یکبار تشکیل میشود و کارگران به شکلی نسبتاً وسیع در این جلسات شرکت میکنند. مینمایند، از طرف دیگر انجمنها در رابطه با انتخابات و رفتارندومها فعال مینمایند. آنها حداکثر تلاششان را برای تشویق کارگران به رای دادن (رای مورد نظر حاکمیت) بکار میگیرند. در این مورد با تشدید و آشکار شدن تضادهای حاکمیت، سمت و سوی تبلیغات انجمن با سیاست حزب منطبق میگردد. نقش دیگر انجمنها بسیج کارگران برای شرکت در تظاهرات و حمایت از حاکمیت مینماید. و با لایحه در سرکوب و وحشیانه خلق کرد، توده های ناآکنگاه کارگران را برای شرکت در این سرکوب ترغیب و بسیج میکنند.

انجمنهای اسلامی در این دوره ضمن تاکید بر تصفیه تعدادی از مدیران "طاغوتی" در کنار کنترل مدیریت، توله بیشتر و بازسازی سیستم را در نظر دارند. انجمنها فقط خواهان همکاری با مدیریت هستند، لیکن مدیران به انکای حسد و لیسرا لها در حاکمیت چندان نقشی ندانند و امیدهند. سیاست انجمنها همچنین نفوذ در شوراها را نشانده میروند، ضمن آنکه گاهی زمزمه های

انجمن اسلامی کارخانه ابزار فریب و توطئه حزب جمهوری اسلامی

در مخالفت با شوراها بوسیله انجمن - های اسلامی صورت میگیرد.

از اوایل و بخصوص اواخر این دوره کمترین و عمیق مبارزه طبقاتی ارتقاء آگاهی کارگران در تجارب روزمره شان و افشاکژی نیروهای انقلابی نه جدا شدن کارگران آگاه از انجمنها منجر گردیده و سیاست ضد انقلابی حزب جمهوری را در آنها بیشتر جامی اندازد.

۲- از جریان سفارت تانطق

آیت الله خمینی در تیرماه ۵۹

جریان سفارت و تحولات ناشی از آن که در پیروسی قدرت گیری حزب جمهوری اسلامی راهمراه دارد، در عملکرد و وضعیت انجمنهای اسلامی در کارخانجات نیز تغییراتی پدید میآورد.

در ابتدای این دوره و های وهوی مبارزه با اصطلاح ضدامیربالیستی از سوی حاکمیت، توده ها بدستمال آن روان گشته و از با مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک خویش یکی مینمایند. انجمنهای اسلامی در این مقطع بسیار فعال شده و تحت رهنمودهای حزب جمهوری میکوشند بطور دایم و وسیعی کارگران را به خیا با آنها و تظاهرات سازمان یافته بوسیله حزب جلب نمایند. آنها با توجه به زمینه عینی دشمنی کارگران با امپریالیسم قضا داشته اند آنها را از مبارزه و عمل انقلابی باز دارند. اما با اوجگیری مبارزات سیاسی کارگران هر کجا که آنها در آمده پیشبرد مبارزه ضدامپریالیستی واقعی بر آمدند، خواستند که با خلع بیس از سرمایه داران و امپریالیستها خود کنترل واحد را در دست گیرند، شوراها انقلابی تقویت گشت، انجمنهای اسلامی در کنار مدیریت به مقابله با توده کارگران پرداختند. جلسات سخنرانی همچنان ادامه مییابد. از آنجا که فعالیت گسترده نیروهای انقلابی و کمونیستها و پیرویه "فدائیان خلق" ارتقاء پیوسته شان را با کارگران همراه داشته، در این

جلسات سبیل تبلیغات دورغیب و - بشرمانه بر علیه آنان بیش از گذشته سرازیر میشود. انجمنهای اسلامی در کارخانجات دیگر حتی پارا از محدوده تمپاشی فراتر گذاشته و در مواردی - اقدام به شناسایی و توطئه بر علیه کارگران آگاه و پیشرو می نمایند.

در این دوره تضاد انجمن اسلامی با مدیریت آشکار میشود. دخالت در مدیریت را که ملا در دستور قرار میدهند، انجمنها به انکای جا بگاه حزب در حاکمیت و نیز پشت سر داشتن کارگران دخالت در تصمیم گیریها و امور کارخانها را کم و بیش جلو میبرند. ضمن آنکه در مقابل مبارزات کارگران که ملا در کنار مدیریت قرار میگیرند.

در این مقطع حاکمیت که تلاشش برای نابودی شوراها به نتیجه نرسیده، کوشید با طرح "شوراها ی اسلامی" آنها را از محتوای انقلابی تهی سازد. پیرو این سیاست، انجمنها آنچه که در توان داشتند برای مقابله با شوراها ی انقلابی بکار گرفتند. سیاستی که بعدها ایضا دگسترده تری مییابد.

بتدریج تجربه توده کارگران و دیدن نتایج مبارزه با اصطلاح ضدامپریالیستی حاکمیت در عینیت، نا امید شدن آنان و... گسترش مبارزات مستقل کارگران را به همراه می آورد. از اوایل این دوره به گسترش مبارزات اقتصادی کارگران در انجمنها و روزی کارگران قرار گرفته و بین سیاست آنها منافع توده ها عمیقاً آشکار میگردد. آنها برای مقابله با مبارزات کارگران بیش از پیش به سرکوب متوسل میشوند و در نتیجه حمایت توده ای خویش را به نسبت زیاد از دست میدهند. در جلسات انجمن زانویه کارگران اثری نیست و تعداد آنها نیز کاهش مییابد. در همین دوره در درون انجمنها نیز جریانهای غیر از خط حزب بیشتر منزوی و حتی تصفیه میگرددند. نطق بنی صدر در ۱۷ شهریور خود عا مل دیگری می شود تا دوزن کارخانجات انجمن های اسلامی پایگاه خود را بیشتر از دست دهند.

۳- نطق آیت الله خمینی تا جنگ

در تیرماه ۵۹ شاهد گسترش مبارزات کارگران و تشدید بحران و تضادهای حاکمیت هستیم. حزب جمهوری اسلامی جایگاه برتر را در حاکمیت کسب نموده است. در این مقطع پس از نطق خمینی و حمله به وزارتخانه ها و ادارات و "طاغوتی" نامیدن آنها با دور جدیدی از فعالیت انجمنهای اسلامی مواجه هستیم. اشاره خمینی به بی عملی انجمنهای اسلامی در واقع تأکید و بقیه در صفحه ۷

دور و تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است



بقيه از صفحه ۶

دادن میدان وسیع عمل به آنها بود. از این پس انجمنها با ردیگر به مراتب مسترده تروفعلتر وارد میدان شده، تا جائیکه در باره ای واحدها انجمن اسلامی بوجود می آید.

در این زمان حضور کمیته همدانی پاکسازی که تحت نفوذ حزب قرار داشتند، در کار خات نجات قدرت انجمنها را افزوده و تقریباً به چماق انجمن بدل میشوند.

انجمنهای اسلامی در این دوره که ملا رودروی کارگران، مبارزات و تشکلهای واقعی آنها قرار میگیرند. آنها همواره میکوشند سدر راه مبارزه - توده های کارگر گردند. اما از آنجا که اغلب نمیتوانند با فریب این سیاست خویش را پیش ببرند به سرکوب متوسل شده و در این راه از پاسداران نیز بهره میگیرند. یورش به دستاوردهای دمکراتیک توده ها و بزقراری - جو اختناق و تفتیش عقاید هدف انجمنها قرار میگیرد. دشمنی انجمنها با کارگران آگاه و پیشرویش از هر زمان دیگری آشکار میشود. موج اخراج کارگران مبارزه توصیه انجمن بوسیله کمیته پاکسازی آغاز میشود. آنها برای شناسایی کارگران پیشرو حتی از وجود عنا صر سرسپرده رژیم پیشین نیز بیاری میگیرند. مجموع این حرکات آنچنان خشم و نفرت توده کارگران را برمی انگیزد که آنرا با ساواک مقابله کرده و فاصله شان را با این ارگان عمیقتر میسازند.

پیشبرد سیاستهای ضد دمکراتیک و بغایت ارتجاعی حزب جمهوری اسلامی در مواردی نظیر "حجاب" و اعمال جبر و فشار بر کارگران نیز از این جهت نسبت به انجمن اسلامی را همراه دارد.

درگیری انجمن با مدیریت همچنان ادامه یافته و انجمنها بیش از پیش دخالت در مدیریت و حتی کنش را گذاردن معدودی از مدیران نشانده میروند. بدین ترتیب در مواردی - تعدادی مدیران لیبرال نیز تصفیه میگردند. اما اغلب یا سرکار باز گشته و یا بجای دیگری منتقل میشوند.

سیاست ضد شورائی انجمن اسلامی به کمترین شکل آشکار میشود. انجمن تنها شورائی را تأیید میکند که تحت نفوذش قرار داشته و مجری سیاستهای ضد کارگری باشد. هر شورایی که کمابیش در جهت منافع خواستهای کارگران حرکت کند، "غیر اسلامی" خوانده میشود. هر نماینده ای که از منافع کارگران دفاع کند، "غیر مکتبی" نامیده میشود. انحرال و شوراهای واقعی و انقلابی، اعمال نظرو تقلب در انتخابات شورائی - جلوگیری از کاندید شدن کارگران آگاه بوسیله تحمیل ضوابط غیر کارگری و یا شیوه های دیگر، سیاست انجمن را در این زمینه تشکیل میدهد.

مجموعه حرکات انجمن در این

انجمن اسلامی کارخانه اظهار فریب و توطئه حزب جمهوری اسلامی

دوره بطور وسیعی توده کارگران را در مقابل آن قرار داده و بدین ترتیب پایه توده ای این ارگان بشدت از دست می رود. از اینجاست که انجمن های اسلامی همرا ه با بیگانه شدن از نظر توده ها نیا ز به رسمی شدن و قانونیت بورژواژی رخص کرده اند. از همین بود را ولین گرد همائی انجمن های اسلامی در ۲۳ شهریور ۵۹ طرح میشود که: "انجمنهای اسلامی به رسمیت شناخته شوند و امکانات کافی برای آنها تاسمین شده و بیین آنها هماهنگی لازم وجود آید". و در قسمتی از قطعنامه صادره میاید که: "ضمن حمایت از کلیه نهادهای انقلابی از قبیل سپاه پاسداران، جهاد سازندگی، بسیج ملی، دادگاههای انقلاب و کمیته ها، تقاضا میکند که با انجمنهای اسلامی سراسر ایران همکاری نمایند." (انقلاب اسلامی ۲۴ شهریور). آری، بورژوازی همواره با توسل به قوانینش میخواهد خود را ابدی و مومن از تعرض توده های استثماریش نشانده نماید.

۴- پس از جنگ

جنگ در ابتدا موجی وسیع از نا سبونا لبسم در جا معه بدید آورده و به ناگهان تمام مسائل را تحت الشعاع قرار میدهد، ذهنیت کارگران را تماماً به خود مشغول داشته و افسوس مبارزاتشان را بهمراه میسازد. همزمان با شروع جنگ سیاست حزب جمهوری برای مقابله با لیبرالها که ارتش را ذرا اختیار دارند، بر بسیج و مسلح نمودن افرادی که حاضر باشند در زیر پرچم جنگ بکنند، قرار میگیرد. بدین ترتیب انجمنهای اسلامی در کارخانجات به تبع سیاست حزب و بر بستر تمایل کارگران به مسلح شدن، بسیج و تسلیح کارگران عضو انجمن توده های آگاه کارگران را برای حفاظت از کارخانه و رفتن به جبهه نشانه می رود. و از این زاویه انجمنها تا حدی در بین کارگران اعتبار میابند.

اما با طی پیروسی کوتاه و بسیج آشکار شدن نتایج اجتناب ناپذیر جنگ ارتجاعی چون گرانی، کمپایی،

بیکاری، و... جنگ از دیدگاه طبقه کارگر به زیر سؤال می رود. شور میهن پرستی کاذب فروکش میکند. و با دور جدیدی از اعتلای مبارزات کارگران روبه رو میگردیم. مسئله تسلیح و رفتن به جبهه مورد مخالفت کارگران قرار گرفته و از این کاسال انجمنها زیر ضرب قرار میگیرند.

با فراموش شدن مسئله جنگ و اوج گیری مجدد مبارزات کارگران از دیدگاه به این طرف انجمنها کاسال رود روی کارگران قرار گرفته اند. فعالیت آنها در تشویق به افزایش تولید، برگزاری سخنرانیها، مبارزه و مقابله با شورا های مترقی و انقلابی، اخراج کارگران آگاه و پیشرو و تلاش برای ایجاد جو خفقان در کارخانجات بوده است. بعلاوه انجمنها ضمن سرکوب توده کارگران به کمک پاسداران حتی سازمان دهی تعداد معدودی از کارگران آگاه و عقب مانده را برای سرکوب تظاهرات و میتینگ ها بعد از داشته اند. این حرکات مشخصاً مقابله کارگران را با انجمنها همراه داشته و آنرا کاسال رسوا بی اعتبار ساخته است. اکنون بحرات میتوان گفت که انجمنها در میان کارگران ناپاک هی نداشته و تنها به اتکای قدرت حزب در کارخانجات حضور دارند. اعمالی نظیر توزیع سیگار، برنج و دیگر کالاها نیز نتوانسته در جذب کارگران بسوی آنها موثر باشد.

تشدید تضاد بین لیبرالها و حزب جمهوری و افزایش بی سابقه آن، درگیری حاد مدیریت و انجمنهای اسلامی را در کارخانجات همراه داشته است. انجمنهای اسلامی با تکیه به جایگاه و قدرت حزب در کمیت یورش تازه ای را برای شرکت در مدیریت آغاز کردند. آنها حتی در مواردی محدود موفق شدند مدیران لیبرال را بکلی کنار گذاشته و مدیریت را در اختیار خود گیرند.

تلاش انجمنها برای رسمی شدن همچنان ادامه دارد و در دو مین سمینار انجمنهای اسلامی در ۲۹ ضمن تاکید بر تصفیه مدیران غیر مکتبی با صدور قطعنامه ای طرح میکنند که: "مسئله خواهان به رسمیت شناخته شدن انجمن های اسلامی از سوی دولت جمهوری اسلامی میباشد".

زوال پایه توده ای حزب جمهوری اسلامی در این پروسه تغییرات و تحولاتی را در درون انجمنها نیز به همراه داشته است. بدین ترتیب کاسال تعدادی از اعضای انجمن اسلامی به لیبرالها و بخصوص بنی صدر گرایش پیدا کرده و این امر تضعیف بیشتر انجمنها را سبب گشته است.

اکنون انجمنهای اسلامی به مثابه زائده های حزب جمهوری اسلامی پیشبرد بقیه در صفحه ۲۰

سود و نرّه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید گردد



نامه‌ای از کارخانجات مهماتسازی

"سازمان چریکهای فدائی خلق ایران"

"من کارگر سازمان صنایع دفاع ملی (مهماتسازی) هستم. در این مجتمع که بیش از صد کارخانه دارد و حدود ۱۱۰۰۰ کارگر و کارمند دارد، می‌کنند که رکیس اکثر قسمت‌ها و رئیس کل آن نظامی می‌باشند و چون محیط تقریباً نظامی می‌باشد چه زمان شاه مخلوع و چه در این زمان حکم فرما بوده و این موضوع باعث ناآگاهی کارگران شده و چون در رژیم گذشته کوچکترین اعتراضی در نطفه خفه می‌کردند، و کارگران هم خیلی راحت پذیرفته بودند و کوچکترین اعتراضی نمی‌کردند این وضع بصورت عادت درآمد و از کنار مسائل خیلی راحتی می‌گذرند، البته از نظر آگاهی با زمان شاه قابل مقایسه نمی‌باشد ولی چون افرادی که سرکار می‌باشند چه مدیران و چه افرادی که کارخانه‌ها را اداره می‌کنند و قسمت‌های دیگر هستند اکثر آنها از افراد دلسور و سوار شده بوده و با همان فکر کار می‌کنند. در

نتیجه خفقان را دوباره مثل سابق حکم فرما کرده اند و کارگران اسلامی نیز با آنها همکار می‌کنند و در اکثر مسائل با مدیریت هم‌مدار شده و بر علیه کارگران کار می‌کنند.

درباره بر حرکات و کارهای مدیریت و کارگران اسلامی و راه سیاسی - ایدئولوژیک و اطلاعات کارگران برای خواسته‌های رفاه و مقابله با خوقفان، به شورا دل بسته اند تا اینکه نمایندگان انتخابی خودشان درباره بر حرکات ضد کارگری تمام اینها با بیستند و از حق خود دفاع کنند و شورا نیز تا بحال حرکات مثبتی انجام داده ولی چون قدرت اجرایی ندارد و جلوی حرکاتش گرفته می‌شود. و در موارد زیادی از تصمیم‌گیری‌ها اجازه دخالت را با آنها نمی‌دهند نتوانسته خواست کارگران را برآورده کند و از ابتدا شروع کار شورا تا بحال تمام خواسته‌ها روی هم انباشته شده و با یکدیگر گفت که شورا هم ضعف داشته که نتوانسته با خواست کارگران پیش رود چون خود را از کارگران جدا می‌کرده و مسائل و مشکلات را با آنها در میان نمی‌گذاشته تا بتوانند با پشتیبانی کارگران قدرت بیشتری بدست آورند و بتوانند حقوق کارگران را بگیرند. مثلاً تشکیل مجمع عمومی می‌توانست تمام مسائل را با کارگران در میان بگذارد چنانکه یک با رایین کارخانه می‌شود و نتیجه بسیار خوبی داشت. چون کارگران متوجه شدند که چه کسانی جلوی کارها را می‌گیرند و نمی‌گذارند که خواسته‌های آنها انجام شود و هم اینکه شورا دانستند که کارگران چه می‌گویند و خواسته‌ها ایشان چه می‌باشد و مدیریت نیز بیشتر افسانه شد و کارگران سرهنگ یزدانی (مدیر کارخانجات مهماتسازی) را بهتر شناختند. ولی همان یکبار رسید و دیگر شورا مجمع عمومی تشکیل نداده و این یکی و خواسته‌های کارگران می‌باشد که بتوانند با نمایندگان خود صحبت کنند و مسائل با زگو شود. از شما می‌خواهیم که به من بگوئید چه کار باید بکنم.

"با ایمان به پیروزی کارگران و زحمتکشان"

کارگر عزیز کارخانجات مهماتسازی!

کارگر عزیز کارخانجات مهماتسازی
همانطوریکه خودت گفته‌ای تشکیل مجمع عمومی یکی از وظایف مهم شوراها و حرکت مفیدی در جهت اتحاد کارگران است. مجمع‌های پوپولیست کارگران برای فحاشی عوامل ضد کارگر و سازشکار می‌باشد. مجمع عمومی محلی برای جمع بندی و تعیین عمده‌ترین خواسته‌های کارگران، همچنین تعیین وظایف آتی شورا در همین رابطه می‌باشد. در مجمع عمومی نمایندگان شورا باید گزارش کار خود را بطور دقیق بدهد اطلاع کارگران برسانند و تمام عواملی که مانع اقدامات آنها می‌شوند فحاشی نمایند. از اینرو کارگران همواره باید بعنوان یک خواست عمومی روی تشکیل جلسات عمومی تا کیدورزند، همچنانکه اگر نمایندگان واقعی کارگران در شورا باشند همین کار را خواهند کرد. اما تعداد افراد سازشکاری که درون شورا مرکزی کارخانجات مهماتسازی پنهان کرده اند خود یکی از موانع بزرگ تشکیل جلسات عمومی هستند. در واقع اینها می‌دانند که اگر مجمع عمومی تشکیل شود خودشان فحاشی خواهند شد و بیخاطر همین است که از آن وحشت دارند و ما نغمش می‌شوید. اکنون تو بقیه کارگران که به نقش تشکیل مجمع عمومی در کارخانه پی برده‌ای ی‌دنبال بدخاموش باشی. شما بهتر تریبی که می‌توانید با یکدیگر تمام کارگران دیگر را نیز نسبت به این مسئله آگاه گردانید، با یکدیگر هر فرصتی که پیدا می‌کنید، نقش‌های عمومی کارگران را در بدست آوردن خواسته‌های بحقتان نشان دهید، طوری که همه کارگران خواستار تشکیل آن گردند. ولی از آنجا که تبلیغ برای تشکیل مجمع عمومی در یک واحد ۱۱۰ هزار نفری کارچندان ساده‌ای نیست، بسیار صحبت در قسمت‌های خود برای کارگران و فشار بر نمایندگان قسمتی خود می‌توانید مجمع عمومی قسمتی را تشکیل دهید. و در آن زمان نمایندگان شورا خود بخوانید گزارش کار شورا مرکزی را ارائه دهید و عملکرد نمایندگان آن را بازگو کنید. شما به این ترتیب علاوه بر تقویت و انقلابی کردن شوراها ی قسمتی خود شورا مرکزی را نیز می‌توانید تحت فشار قرار دهید، تا مجمع عمومی سری تشکیل گردد. از اولین کارها شبکه در مجمع عمومی سری پیدا نماید و در این اقلی‌ها عناصرا سازشکار شورا می‌باشند. شما ما نمایندگان واقعی کارگران - درون شوراها نباشند نمی‌توانند بدین طریق خواسته‌های خود بطور موثری از طریق شورا اقدام نمایند. پیروز باشید

مهمانته ولی چون افرادی که سرکارها را در مدیریت و هم افراد که در اداره سیاسی و این نوع لوژیک و قسمت‌های دیگر هسته از افراد سرپرده شاه بوده و با همان افکار کار می‌کنند در نتیجه عمال را دوباره مثل سابق حکم فرما کرده اند و کارگران اسلامی نیز با آنها همکار می‌کنند و در اکثر مسائل با مدیریت هم‌مدار شده و بر علیه کارگران کار می‌کنند.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش‌تاز مبارزات
ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران

اول اردیبهشت، تداوم راه سرخ ۱۶ آذر



اول اردیبهشت سالروز سرکوب خونین دانشگاهها توسط رژیم جمهوری اسلامی است. سال گذشته در چنین روزی جماعتداران و قذافه پنداران حزب جمهوری اسلامی در صحنه سیاه با سداران به صفوف فشرده دانشجویان آگاه و مبارز که به دفاع از دانشگاهها و دستاوردهای قیام شکوهمند مردم برخاسته بودند، مسلحانه یورش بردند و با ریختن خون دانشجویان در صحن دانشگاه تهران و سایر دانشگاههای ایران خاطره ۱۶ آذر ۱۳۳۲ را در اذهان شوپها زنده ساختند. دانشجویان انقلابی با مقاومت قهرمانانه خود در برابر تهاجم سازمان یافته به دانشگاهها و موسسات آموزش عالی که متوجه سلب حقوق و آزادیهای دمکراتیک بود و بجای گذاشتن چندین شهید و صدها زخمی، صفحه سرخ دیگری بر تاریخ مبارزات - جنبش انقلابی دانشجویی افزودند. یورش به جنبش دانشجویی در روزهای آخر فروردین و اول و دوم اردیبهشت ۱۳۵۹ در سراسر کشور نه تنها ناشی از وحشت رژیم از گسترش مبارزات - دانشجویی و تعمیق پیوند جنبش دانشجویی با مبارزات توده های زحمتکش بود، بلکه اساسا ناشی از نقش بارزی میشد که دانشگاهها در خلال سالها مبارزه پیگیر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جهانی و بویژه در دوران مبارزات شکوهمند توده ها در گسترش و تعمیق مبارزات - ضد امپریالیستی - دمکراتیک میهنمان داشته اند.

نقش برجسته جنبش دانشجویی و دانشجویان انقلابی در جنبش نوین کمونیستی و جنبش خلق گواه دیگریست بر همراهی و همگامی دانشجویان مبارز با جنبش رهائی بخش خلقهای ایران. دانشجویانی که مادفا نه به آرمان طبقه کارگر و روهائسی زحمتکشان از یوغ استعمار و استثمار عشق میورزند. از رستاخیز سیا هکل در بهمن ۴۹ تا اوج گیری مبارزات - پرشکوه خلق قهرمانان، جنبش دانشجویی گامهای استوارتری در راستای مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده های زحمتکش میهنمان برداشت. شمارش به سادای دانشجویی که به سازمانهای انقلابی پیوسته و در این سالها بدست دژ خیمان شاه شهید کشته اند سبب گویا نیست از جانب زیبا و فداکاری - های دلورانه دانشجویان در راه رهائی میهن از وابستگی و برقراری حکومت

خلق کرد (نظیر قتل عام روستاهای قله تان و قارنا) امکان نپیشبرد سیاستهای ضد مردمی و سرکوبگرانه علیه زحمتکشان و خلقها را برای رژیم با اشکال روبرو میساخت اگر چه حاکمیت رسانه های گروهی را در قبضه خود در آورده بود، لیکن وجود این مراکز افشاءگری و روی آوری بیش از پیش کارگران و زحمتکشان و سایر اقشار خلقی به دانشگاهها جهت کسب اخبار واقعی و آگاهی زحمتکش - حاکمان سرمایه را در چاروخت ساخته بود و بر آسانی دانشگاه در دید بقدرت رسیدگان از "تیمب خوشه ای" هم خطرناکتر شده بود.

مقاوم وجود شوراهای واقعی متشکل از استادان و دانشجویان و کارکنان آگاه مبارزان استقرار حاکمیت به قدرت خریدگان در دانشگاهها بود. از این رو چند صیاحی از قیام نگذشته بود که حاکمیت توطئه سرکوب دانشجویان و به بند کشیدن دانشگاهیان و دانشجویان مترقی را طرح ریزی کرد.

رژیم برای به قبضه در آوردن دانشگاهها توطئه فراوانی را آزمایش کرد. وزمانی انجمنهای اسلامی دانشجویان ما مورقبضه کردند دانشگاهها شدند و زمانی دیگر لیبیرالها کوشیدند به شیوه عوامفریبانه خود ضمن بازنگهداشتن دانشگاهها به منظور تربیت "متخصصین" برای بازسازی نظام سرمایه دارای وابسته

بقیه در صفحه ۱۰

زحمتکشان رژیم ضد مردمی شاه نیز گرجه برای توسعه نظام سرمایه داری وابسته و تامین کارمراهی و اداری مورد نیاز صنایع وابسته و ماشین دولتی خود به گسترش دانشگاهها مبادرت - میورزید، لیکن بارها از وحشیانه گسترش مبارزات دانشجویان و بنده منظور جلوگیری از افشای سیاستهای ضد مردمی اش توسط آنها، دانشگاهها را به تعطیلی کشاند. پس از قیام بهمن ماه، دانشجویان که شاه به روی کار آمدن دولتی که احیاء و بازسازی نظام سرمایه دار وابسته را وجه همت خود قرار داده بود، بودند به مبارزات خود جهت تعمیق جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم میهنمان ادامه دادند. آنها محیط دانشگاهها را به مراکز برای آگاهی دادن به زحمتکشان و افشای سیاستهای حاکمیت علیه زحمتکشان و خلقهای کرد، ترکمن و... تبدیل کردند. دفاتر دانشجویی به بلندگوی زحمتکشان و خلقهای بیخاسته تبدیل شدند. دانشجویان با برپائی صدها نمايشگاه عکس، پوستر و فیلم و برگزاری جلسات بحث و گفتگو و نمایش تئاتر و فیلمهای انقلابی و نصب اوزالیدهای خبری هر روز در اطراف دانشگاهها گامهای تازه ای در ارتقاء آگاهی توده های زحمتکش برداشتند. فعالیتها افشاءگرانه دانشجویان انقلابی علیه قتل عام

بازگشائی دانشگاهی مردمی، آزاد، شورائی، خواست مردم ایران است.

اول اردیبهشت، تداوم...

بقیه از صفحه ۹



مانع از فعالیت گروههای دانشجویی شدند. در اسفند ماه ۵۸ آقای میرسلیم سرپرست وقت وزارت کشور با ارسال بخشنامه‌ای به دانشگاهها و مدارس عالی کشور، دستور جلوگیری از فعالیت‌های سیاسی گروههای دانشجویی در دانشگاهها را میدهد. اما سرمداران حزب جمهوری اسلامی که شاهدور شکستگی سیاستهای دولت در به قبضه در آوردن دانشگاهها و به بند کشیدن دانشگاهیان آنگاه انقلابی بودند، کوشیدند شکست سیاسی - ایدئولوژیک خود را در برابر جریانات انقلابی با چماق سرکوب جبران کنند.

با اوج گیری مبارزات طبقاتی، که در اعتراضات و اعتصابات کارگران و گسترش مبارزات خلقها و تعمیق پیوند جنبش انقلابی دانشجویی با جنبش زحمتکشان تجلی میافت، حرکت‌های سرکوبگرانه و ضد مردمی حاکمیت تشدید یافت. بدینال حمله جدید به کردستان در فروردین ۵۹، توطئه آنها جمعه دانشگاهها تحت لوای عوامفریبانه "انقلاب فرهنگی طرحریزی شد و بعد از یکسری زمینه‌سازیه‌ها، اراذل و اوباش وابسته به حزب جمهوری اسلامی در پناه اسلحه پاسداران به دانشگاهها یورش بردند و دانشجویان را به خاک و خون کشیدند.

در اول اردیبهشت ۵۹، خیابان آذربایجان صحنه نبرد خونین بین جماعت کارگران و قمع‌کشان حزب جمهوری اسلامی و پاسداران سرمایه‌از یکطرف و دانشجویان انقلابی منحل شده دانشجویان پیشگام، مبارز و ... مردم آگاه و مبارزان که از دور و پیش به حمایت از آنها در جلوسا ختمان پیشگام مرکزی گرد آمده بودند، از سوی دیگر بدست شیطانی درگیری‌هایی که تا اولین ساعات با مداروز بعد ادامه یافت دوها نفر کشته و زخمی شدند.

در دوم اردیبهشت ۵۹، در پی تحریکات جنسی امام جمعه وقت اهواز و از فقرهای کنونی شورای نمایان (ارادلو و اوباش به دانشگاه اهواز حمله کردند و منحل دانشجویان را از خون مدها دانشجوی انقلابی گلگون ساختند. در ادامه آنها جمعه دانشگاه چندین دانشجوی دستگیر شده و بطرز وحشیانه‌ای در تالار شهرداری (که از آن بعنوان زندان استفاده میشد) کشته میشوند. یکی از دختران دانشجوی (رفیق مهناز منتمدی) که به شکنجه و شلاق اعتراض کرده بود توسط پاسداران به رکیار مسلسل

بسته میشود. بعدها بدستور جنسی چند نفر از زندانیان (رفقا احمد موذن، مسعود انبالی، دکتر اسماعیل تریمی، مهدی علی‌شوی شوشتری) صرفاً بخاطر دفاع از آرمان‌های طبقاتی در هایت درهای بسته محاکمه و اعدام میگرددند.

در همین روزها جناحی تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" در کیلان، شیراز، تبریز، سیستان و بلوچستان و ... صورت میگیرد که در تاراج یورش سرکوبگرانه به دانشگاهها بی سابقه است.

دانشجویان آگاه و مبارز که بخوبی از اهداف ضد مردمی سردمداران حزب جمهوری اسلامی و عوامفریبی‌های بنی‌مدراگه بودند، کوشیدند با مقاومت و پایداری در برابر این تهاجم، به افشای ماهیت حزب و رئیس جمهوری و شورای انقلاب بپردازند. مقاومت مشکلا نه دانشجویان در دفاع از دانشگاهها و حقوق و آزادیهای دموکراتیک نشانه بارزی از عزم راسخ دانشجویان انقلابی در ایستادگی در برابر حرکت‌های سرکوبگرانه، حاکمیت علیه زحمتکشان و خلقهاست. مقاومت دلوارانه دانشجویان با ردیگری توده‌ها نشان داد که برای پاسداری از حقوق و آزادیهای دموکراتیک که به بهیای جانبازی و قهرمانی دهها هزار تن از مردم قهرمان میهنمان بدست آمده است، دانشجویان همگام با خلق، سینه‌های خود را آماج گلوله‌های ضد انقلابیون و حاکمان سرمایه‌میسازند. سرکوب اول اردیبهشت همانند بسیاری از سرکوب‌های دیگر تجربه مبارزاتی خلق و ویژه جنبش دانشجویی را غنی تر ساخت. زحمتکشان که هرگز تصور نمیگردد بعد از سقوط شاه به این زودی شاهد کشتن دانشجویان و به خون کشیدن دانشگاهها

باشند، دیدند که رژیم‌های که خود را "انقلابی" و "ضد امپریالیست" معرفی میکنند چگونه به کشتن روحیان و دانشجویان انقلابی اقدام میورزد. مردم همچنین شاهد بودند که چگونه کسانیکه چون بنی‌مدراگه خود را "دمکرات" و "آزادخواه" قلمداد میکنند، سرسنگفرش گلگون زخون دانشجویان انقلابی روز ولادت حاکمیت دولت خود را جشن میگیرند. (بگذریم از اینکه اکنون که مه قنیت بنی‌مدروسا بر لیسرا آنها از حاکمیت تضعیف گشته است، میکوشند تا خود را مخالف آنها جمعه دانشگاهها و مدافع با زگشائی آنها قلمداد کنند.)

واقع دانگاه واقع دانگاه موضوع کیسری سازمانها و جریانیهای سیاسی گوناگون را در مقابل آنها جمعه سازمانها هیت دوستان دشمنان خلق را پیش از پیش برای توده‌ها آشکار گردانید. انجمنهای اسلامی دانشجویی که از بار پیشبرد سیاستهای حزب جمهوری اسلامی در دانشگاهها بودند، با بسیج و هدایت اوباشان و چماقداران و رشکستگسی سیاسی خود را به نمایش گذارده و بیشتر از همیشه در چشم دانشگاهیان توده‌های مردم سوا گشتند. همراهی آنان با مزدوران حزب جمهوری اسلامی نشان داد که آنها پایگاه خود را در دانشگاهها از دست داده و در برابر نیروهای انقلابی که هر روز بیشتر قدرت میگیرند و دانشگاهها را به مراکز برای تعمیق و گسترش مبارزات ضد امپریالیستی و یاری رساندن به مبارزات زحمتکشان و خلقها تبدیل کرده بودند، تضعیف گشته بودند.

دانشجویان هوادار حزب توده همچون گذشته، به پیروی از سیاستهای اپورتونیستی حزبشان با ردیگری با هیت تسلیم طلبانه خود را در مقابل یورش علیه خلق نشان دادند. آنان همانند رهبران حزبشان نشان دادند که در برابر تهاجم سرمایه‌به به حقوق و آزادیهای دموکراتیک و در شرایطی که وقادارمانند به آرمان طبقه کارگر متلزم جانبازی و فداکاریست، فرار را بر قرار ترجیح میدادند. آنها همچون گذشته کوشیدند که با عقب نشینی در برابر ارتجاع از لطاف وی برای بقا حقیقانه خود بهره‌مند گردند و مانند همیشه "تحریکات گروهکهای چپ" را عامل اصلی این توطئه ضد مردمی قلمداد سازند.

انجمن دانشجویان مسلمان با اتخاذ سیاستی راست روانه و دنباله روی از سیاستهای یک جناح از حاکمیت در برابر جناح دیگر، مقاومت دانشجویان آگاه و مبارز را خدشه دار کرد. انجمن دانشجویان مسلمان که در ابتدا با افشای همه‌جا نبه، نقش بارزی در افشای توطئه حمله به بقیه در صفحه ۱۱

بقیه از صفحه ۱۰

دانشگاهها ابعاء کرد، پس از صدور
بخشنا مه شورای انقلاب مبنی بر
تعطیلی دفاتر دانشجویی، با تحویل
دفا تر خود عرصه مبارزه و مقاومت
علیه تهاجم به دانشگاهها را خالصی
کرد و در برابر نطق رئیس جمهور دست
به عقب نشینی زد. انجمن دانشجویان
مسلمان به جای تقویت صفوف
نیروهای انقلابی، دنباله روناکتیک
جناح دیگر حاکمیت شد.

رهبران کمیته مرکزی که بعد از
پیلوم مهر ماه ۵۸ گامهای بلندتری
بسیوی اپورتونیسیم برداشته بودند
کوشیدند علیه رزم مقاومت دلیرانه
دانشجویان پیشگام، سیاست
سازشکارانه خود را با حاکمیت سه
پیش برند. آنان که زیر فشار
توده های دانشجویی و مردم با
مقاومت دانشجویان موافقت کرده
بودند، مقاومت قاطعیت و شها مت
دلاورانه دانشجویان را وجه الممالحه
مذاکرات و سازش خود با حاکمیت
نمودند. این "رهبران" که وقتی پای
مذاکره با "بزرگان" پیش میاید (سه
مقاومت و مبارزه در میدان) ابائسی
ندارند که خود را بجای دانشجویان جا
بزنند، خون شهدای دانشجویان و سیله ای
برای حرکت سازشکارانه و نزدیک
به هیئت حاکمه و افتتاح حساب
مذاکرات دوستانه!! بنمایند و
برایشان مهم نبود که این حرکات چه
ضررهای به جنبش دانشجویی میزند.
در برابر سیاستهای راست روانه
ولیبیرالی، دانشجویان هوادار بیکار
حرکات سکتاریستی و چپ روانه ای
را برگزیدند. آنها بدون در نظر
گرفتن مضمون سیاسی مبارزه و مقاومت
و بی توجه به شرایط عینی جامعه
کوشیدند تا بیلات ذهنی خود را ارضاء
کنند. آنها بدون توجه به ذهنیت
توده ها، بدون توجه به برآمد
عملکرد نیروها، بدون توجه به امکان
رویا رونی دانشجویان یا مردم با آگاه
و متوجه شعار "مقاومت به هر قیمتی و
تا سرحد پیروزی" را سر میدادند.
آنها علیه رزم ادعای خود مبنی بر
مقابله با بینش "جدا از توده" با
حرکات ما جرایب و چپ روانه
درک غیر علمی و سکتاریستی خود را از
مبارزه سیاسی توده ای بمنضم ظهور
رسانیدند.

بنظر ما مقاومت دانشجویان
برای حفظ دستاوردهای دمکراتیک
قیام و دفاع از دانشگاهی مردمی،
آزاد و شورائی اقدامی درست و درخور
تا شید و تحسین بود. این وظیفه سه
دانشجویان مبارز و انقلابی بود که
در مقابل بورژوازی رژیم به دستاوردهای
قیام تا سرحد آگاهی دادن به مردم
ورسوا کردن سیاستهای ضد مردمی
رژیم دست به مقاومت و افشاگری
رژیم زد. این اصل اساسی است که مسئله
انقلابیون هیچگاه بدون مقا و مسکست
دلیرانه از میدان بدر نمیروند. اما
مسئله استفاده از تاکتیکهای درست
و بجا و سنجیده امری است که انقلابیون
راستین هیچگاه آنرا فراموش
نمیکنند. ما باید با توجه به تسوان

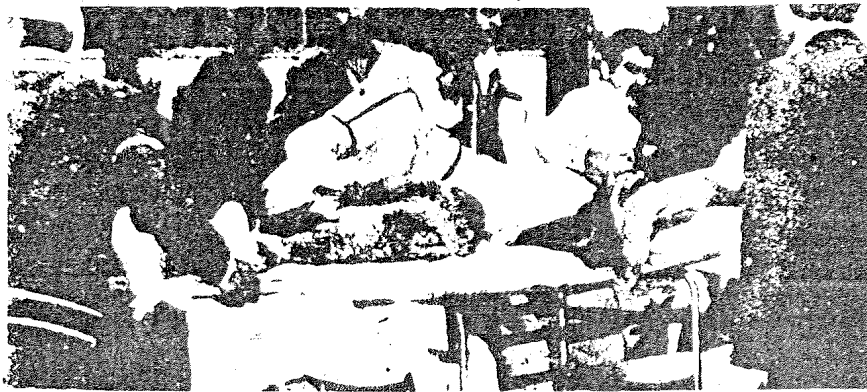
اول اردیبهشت، تداوم...

توده ها، توازن نیروها و تضادهای
موجود و جو کلی جامعه حرکتها خود را
تنظیم کنیم. ما نمی توانیم
فرسنگها از توده ها جلو بایسیم.
پیشروانقلابی همگام و پیشاپیش
توده ها حرکت میکنند. در مسئله
مقاومت دانشگاه، مقاومت و درگیری
ما باید تا آنجا باشد که به خواست
دمکراتیک دانشجویان و مردم در دفاع
از دستاوردهای قیام پاسخ داده و حداکثر
افشای گری را از حرکت ارتجاعی و ضد
دمکراتیک حاکمیت بعمل آوریم.
حرکت ما نمی بایستی این بوده باشد
که به هر قیمت درگیری و مقاومت را
گسترش داده تا آنجا که به ورود نیروها
مردم با آگاه و توهمزده منجر شود.

اکنون با گذشت یکسال از سرکوب
اول اردیبهشت، جنبش انقلابی
دانشجویی با کوله باری از تحسار
عینی مبارزه خود برای بازگشائی
دانشگاهها، این سنگرها را زادی
آگاهی، قرار دادن مجدد آنها در استای
مبارزات ضدامیرالیستی-دمکراتیک
توده های زحمتکش، ادامه میدهد.
حاکمیت نیز، آگاه از زور شکنگی
سیاست عوام فریبانه انقلاب فرهنگی
و نگران از اوچگیری مبارزات توده ها
و بیوزنه گسترش مبارزات دانشجویان
آگاه و انقلابی، اینبار رسیده دیگری
در برابر دانشگاهها در پیش گرفته
است.

آیت الله خمینی در پیام نوروزی
خویش به ضرورت بازگشائی دانشگاهها
در سال جاری اشاره کرده است و

تربیت "متخصص" شعار بازگشائی
دانشگاهها را میدهند، هیچکدام
خواهان بازگشائی دانشگاهی که در
خدمت آگاهی زحمتکشان و تامین
منافع آنان باشد، نیستند. سیاست
های گذشته حاکمیت نشان داده است
که هر جناح کوشیده است به شیوه خود
از تبدیل شدن دانشگاهها به کانون
آگاهی دهنده زحمتکشان جلوگیری
بعمل آورد. آنها تلاش کرده اند تا
از ایجا دشواریهای واقعی در
دانشگاهها که مانع تحمیل سیاستهای
ضدمردمی برداشته است، مانعت
بعمل آورند. اما دانشجویان آگاه و
مبارز و کلیه نیروهای مترقی که
رهائی میهن از یوغ امیرالیسم
می اندیشند طایفه دانشگاهی هستند که
قبل از هر چیز در خدمت منافع
کارگران، زحمتکشان، و خلقهای
تحت ستم باشد. دانشگاهی که در آن
آزادی فعالیتها صغیر و دمکراتیک
دانشجویان در جهت آگاهی دادن به
توده های زحمتکش و افشای علیه
سیاستهای حاکمیت تا میرنده باشد،
امور را وسیله شورشهای واقعی
(منتخب دانشجویان، اسنادان و
کارکنان) اداره شده و این شوراها
در جهت تغییر بنیادی نظام آموزشی
قطع وابستگی از امیرالیسم کام
بردارد. در مقطع کنونی، مبارزه
برای بازگشائی یک چنین دانشگاهی
از وظایف میرم دانشجویان و
دانش آموزان آگاه و مبارز و کلیه
نیروهای انقلابیست. مبارزه برای
بازگشائی دانشگاهها گامی در جهت
تأمین و گسترش حقوق دمکراتیک و
آزادیهای سیاسی مردم و تعمیق
مبارزات ضدامیرالیستی میهنمان
است.



در آستانه اول اردیبهشت بکوشیم
با برپائی نمایشگاههای خیا بیا نسوی
جلسات بحث و گفتگو در مدارس،
خیابان و میدانهای مرکز تجمع عمومی
افشای گری وسیع و همه جانبه بپرا مسون
توطئه تعطیلی دانشگاهها و علل عدم
بازگشائی آنها و گسترش مبارزات
خود برای بازگشائی دانشگاهها
مردمی، آزاد و شورائی، بیا دهندهای
سرکوب خونین اول اردیبهشت و
حما سه مقاومت دانشجویان را گرامی
بداریم.

بنی صدر در پیامی به مناسبت
فروردین خواستار فعال شدن
دانشگاهها شده است. اما آشکار
است دانشگاهی که آنان طالب
آیند باید دانشگاهی که نیروهای
مترقی مدافع منافع زحمتکشان
میخواهند، تفاوت بنیادی دارد.
چه آیت الله خمینی و حزب جمهوری
اسلامی که شعار "اسلامی و مکتبی
کردن" دانشگاهها را سر میدهند و چه
لیبرالها که با دفاع دروغین از
آزادیهای سیاسی و تاکید بر ضرورت

حماسه مبارزه، مقاومت وشهادت بیژن جزنی و همزمانش...

شهادت رسیده و گفته شده که در اثر سهل انگاری و کمانه کردن تیروا کشته شده اند و کشتار را خیر در قزوین و کتاب نمونه هائی از این جنایت است. همه این فجایع گواهی این امر است که رژیم جمهوری اسلامی در کشتار و نابودی مخالفین دست کمی از رژیم شاه ندارد. این طفل یکشنبه ره صدساله می رود تا زه این جنایات و کشت و کشتار سوا کشتار مبارزان دلاوری نظیر دکتر رشوند سرداری معلم مبارز گرجی بیانی، دکتر میرزا زینب میسا و فدائی خستگی ناپذیر سعید میرشکاری و... است که بدون محاکمه و یا با محاکمات چند ساعت بدست جلادانی نظیر خلخالی جنتی و فهیم در کردستان، خوزستان و کرمان بشهادت رسیده اند. و بیگز کسانى هستند که ظرف دو سال گذشته بدست پاندهاى سياه و ابسته به سياه پا سداران و کميته ها در لاهيجان (وندادایمانى و...)، کرمانشاه عقیقى و... بلوچستان (امیمن نورائى و... کرمان) (علی فدائى و...) و... ترور شده اند. جنایات و فجایعی که این روزها ابعاد بسیار گسترده ای گرفته و رژیم کوشش دارد این حرکت ضد انقلابی یعنی ترور سياه را با مرئی سیستماتیک تبدیل کرده و آنرا جانشین چماق دارى که کوس رسوائيش زده شده، بنماید. واقعاً که سياهه جنایات رژیم جمهوری اسلامی هر روز فظور و فظورتر میشود.

دولت جمهوری اسلامى با دیدبان هما نظوریکه مردم ایران رژیم شاه را پس از اینهمه جنایت از جمله کشتار انقلابی، بگور سپردند، هما نظوریکه

تسلیم و رضا و ادا رشوند و گرنه در اراه تزلزل تا پذیرا انقلابیون راستین کوچکترین اثری نداشت. این جنایت تنها چهره جنایتکار و روشد خلقی رژیم را بیش از پیش در چشم مردم نمایان ساخت و تمصییم انقلابیون را در مبارزه علیه رژیم را سختر کرد. این جنایت واقعاً تیرباران خسرو گل سرخی و کرامت دانشیان را که مردم وسیعاً در جریان محاکمه آنان قرار داشتند زنده کرد و کینه مردم را نسبت به رژیم شاه و اربابانش صدچندان نمود. رژیم که با این کشتارها فکر میکرد خواهش تواند شعله مبارزه را خاموش ساخته و حاکمیت خود را ابدی سازد تنها سه سال پس از این واقعه با اوچگیری مبارزات خلق که به قیام شکوهمند بهمین ماه منجر گردید بزباله دان تاریخ سپرده شد.

خلفهای قهرمان ایران که رژیم شاه را سرنگون کردند، انتظار داشتند دیگر چنین صحنه هائی هرگز تکرار نشود، دیگر زندانهای ایران محل و ماوای مبارزان و انقلابیون نگردد و تنها دشمنان خلق، شکنجه گران و عوامل رژیم شاه و امپریالیسم زندانها را پر کردند. اما چه خیال عیبی! هنوز خون شهیدان روی اسفالتهای خیابانها خشک نشده بود، هنوز مردم از کابوس شکنجه گاهای آریا مهری اوین حاکمیت آرا مش نیافته بودند که کشته ها که به قدرت رسیده، مبارزان انقلابی و ضد امپریالیست را دوباره بزندانها انداختند و دوباره بساط زجر و شکنجه برپا کردند. با زهم همان شیوه های نابودی انقلابیون توسط سرکوبگران، شکنجه گران و زندان بانان تازه بدوران رسیده از سر گرفته شد. تنها یکسال از حکومت جمهوری اسلامی میگذشت که چهار رتن از رهبران خلق ترکمن، تومساج، واحدی، جرجانی و مختوم در حالیکه در دست پاسداران اسیر بودند در گنبد بدون محاکمه تیرباران و به جنگل افکنده شدند و رژیم و قیامها را اعلام کرد که آنان در هنگام نقل و انتقال بدست گروهی بگروگان گرفته شده و سپس کشته شده اند! "آریا براستی سردمداران جمهوری اسلامی تمصیر میکردند مردمی که تمام شکردهای رژیم شاه را تجربه کرده بودند و خاطر کشتار و فدائی و مجاهدان را بپا داشتند این دروغ آنان را باور میکنند؟! آنها میخواستند چه کسی را بفریبند و چه آزموده ای را بپا بیاورند؟! اگر رژیم شاه بخاطر تجربه و سازمان یافته گیش و اتخا دشویه های سیستماتیک سرکوب تنها چند بار طی دودهمه به اقدامی اینچنین دست زد، اما رژیم جمهوری اسلامی در این باره پافرا ترنها دهو ظرف یکسال گذشته بارها و بارها تیربوهای انقلابی را در زندان بقتل رسانده است. کشتن رفیق جهان نگیر قلمه میآند و آب (جهان) که پس از چند روز با زداشت، پیکر بیجان و شکنجه شده اش در سردخانه پیدا شد، کشتار دهها مبارزی که پس از دستگیری بدون محاکمه بدست پاسداران به

این کشتارها نتوانست در اراه آنها در مبارزه علیه رژیم شاه خللی ایجاد کند، بلکه عزم آنها را در مبارزه جزم تر کرد تا جائیکه اعتراضات به فریادها و مشتها به مسلسلها تبدیل شد. اینک نیز مردم با اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی با کینه و انزجار بر خورد میکنند. این کشتارهای پنهانی که در زندانها تحت عناوین مختلف انجام می شود، این ترورهای که هر روز در این شهر و آن روستا صورت میگیرد، این زجرها و شکنجه ها هرگز نخواهد توانست در اراه تزلزل ناپذیر این خلق بپا خاسته خللی ایجاد کند. اگر رژیم شاه نتوانست با آنهمه جنایات وحشیانه و کشتار مبارزان و انقلابیون در زندانها، شکنجه گاهها، کوه و خیابان تحت عنوان "خرا بکار" حاکمیت تنگینش را تثبیت کند، رژیم جمهوری اسلامی هم خواهد نتوانست کشتار انقلابیون ضد امپریالیست و ضد سرمایه دار تحت عنوان "ضد انقلاب" پاپه های تزلزل رژیمش را استوار کند آنان با یداین واقعتی سترگ تاریخ را بداند:

آنانکه باد میکاردند

طوفان درو خواهند کرد

درود بی پایان به شهدای سیم فروردین: فدائی خلق ۲ مجاهد خلق و همه شهدای بخون خفته خلق. افتخار به ما داران و پدران مبارزی که همراه با جنبش انقلابی خلق در جهت پیشبرد اهداف انقلابی فرزندان نشان به پیش میروند. افتخار به خلقهای قهرمان وطنمان که راه شهدا و قهرمانان نشان را که راه بهروزی کارگران و زحمتکشان وطن ما ست با عزمی آهنین ادامه میدهند.

در مراسم بزرگداشت ۹ رزمنده فدائی و مجاهد خلق شرکت کنیم! مواطنان مبارز، زحمتکشان ایران!



۳۰ فروردین با داور روزیست که فرزندان دلاور خلق هفت تن از فدائیان خلق

بیژن جزنی، حسن ضیاء ظریفی، عزیز سمرمدی، مشعوف (سعید) کلانتری، عباس سورکی، محمد چوپان زاده و احمد جلیل افشار به همراه دوتن از

مجاهدین خلق کاظم دواالانوار و مصطفی جوان خوشدل در زندان اوین بدست

جلادان جنایتکار رژیم مزدور شاه ترور شدند. آنها که سالها علیه رژیم مزدور شاه مبارزه کرده بودند تا اولین لحظات زندگی خود، به آرزوهای خود و فدا کردن جان و مال خود را در خلیت ناپذیر خود را بخلق نشان دادند. آنها سمبل مبارزه، مقاومت، عشق به توده ها و کینه و نفرت نسبت به دشمنان خلق بودند. از هبوطان زحمتکش و مبارزان دعوت میکنیم که به منظور بزرگداشت خاطره و مبارزات این فرزندان راستین خلق و نشان دادن نفرت خود نسبت به کسانی که امروز به سرکوبی اختناق، شکنجه و ترور زندانیان سیاسی متوسل میشوند، در مراسم که بمناسبت بزرگداشت این شهدای جان نثار کف خلق آزوسی خانوادهاى جزنی، ظریفی، سمرمدی، کلانتری، سورکی، چوپان زاده و جلیل افشار روز جمعه ۲۸ فروردین ماه ساعت ۱۰ صبح در بهشت زهرا ۱۳۲ برگزار میشود، شرکت کنید.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ۶۰۱/۲۵

ارزیان گزارشها:

مردم چه میگویند، مردم چه میخواهند؟

ساعت ۶/۵ صبح بود تو خوابان آرامگاه منتظرا تو بوس بودم غیاز من یک پاسبان با قیافه ای سیاه چرده - دهقانی و یک مرد میان سال ریز اندام، باکت و شلوار چروکیده نیسز ایستا ده بودند. بعد از یک ربع ساعت انتظار و کا میون بنز خاوره اتنی با ترمز خشنی جلوی پایمان ایستا دور اننه داد زد: "هرکی میا دیر دیا لامنته مخابرالدوله میرم" هر سه نفر سوار شدیم و کا میون چون کوه سنگینی از جا کنده شد و حرکت کرد هنوز چند دقیقه ای نگذشته بود که مرد میان سال از جا پرید و با اشاره به دو پسر جوانی که علامه می جسیا نند دیا غیظ و عصیانیت گفت: "مملکت را این کمونیستها به اینجا کشیدند بعضی درس خوندن مردم را تحریک می کنند با بدجلوشون را گرفت" من گفتم: "کجا درس بخونن دانشگاه را که حکومت بسته است" را ننده ترمز کرد ننده عقب گرفت و خطاب به دو پسر جوان فریاد زد "موقی باشیدا" "مرد میان سال زیر لب تکرار کرد: "لا لاله" را ننده نگاه نافذ خود را از پشت ایوان کم پیشش به رو برود و صوت و صدای محکمش در کا میون پیچید: "میدونی آقا خودما اول آدم نا آگا هی بودم. چیزی حالیم نبود، ولی از وقتی چیز سرم شده دیگه سعی می کنم هر چیزی را تا تهش برم حتی اگر شده جونم را هم از دست بدم، راستش بخوای این کمونیست ها همون دانشجویانی هستن که بیشتر از همه برای انقلاب زحمت کشیدن. من خودم دیده ام که چطور ما مورهای گارد دانشجویان را کتک می زدند ولی آنها نمی ترسیدند و مرگ بر شاه می گفتند. ولی الان بجای قدر دانی، درد انشگاه ها را بسته و دانشجویان را پس از عمری درس خواندن و زحمت کشیدن بیکار شون کردند من که هر وقت از جلوی دانشگاه رد می شم و می بینم دانشگاه، مثل بچه های یتیم خالی از دانه نشجو شده، مثل بچه خرابه است دلم پراز خون میشه".

را ننده آه سردی کشید و سکوت کرد. مرد ریز اندام در حالیکه سعی داشت خودش را آرام نشان بدهد گفت: "آخه داداش اینقدر ساده نباش شما اینها را نمی شناسید از خرابیها پول می گیرند و به جمهوری اسلامی فحش میدند، بهشتی چشم اینا رو کور کرده، بنی صدر بین مردم عزیز است و کمونیست ها را سوزانده، دانشگاه را هم همین کمونیستها اینطوری کردند".

عصیانیت گفتم "چی میگید آقا دیگه همه این را میدوند که چه بهشتی چه بنی صدر دست به یکی کردند و دانشگاه

را اردیبهشت پارسال تعطیل کردند" پاسبان که تا حالا ساکت بود یک دفعه پرید وسط صحبت من که به بنی صدر نبود همه اش تقصیر حزب بود. را ننده با حالتی که حاکی از حسن احترام عمیق به مخاطبش بود سرکشت به روزنامه ای که دست من بود خیره شد و لحظه ای ساکت ماند بعد با حالتی مودبانه گفت: "میدونی آقا دانشجو حرف بیهوده نمی زند من مخالفت روحانی نیستم ولی وقتی دانشجوها با بهشتی و بنی صدر مخالفت می کنند حتی میدوند چیکار هاند، آخه من میدونم دانشجویان قدر برای انقلاب زحمت کشیده اند، از خیلی وقت پیش در حالیکه پشتش بیشتر خیمه میشد و کا ملا بر روی فرمان ما شین خوابیده بود چراغ قرمز خیره شد، گویی در خاطرات خود گذشته را ورق میزد و خاطره ای را از گذشته بیرون می کشید. "بللی آقا چند سال پیش بود. دقیق نمیدونم، آنوقتها من جاهل بودم، از سیاست چیزی سرم نمیشد اصلا نمیدونستم سیاست یعنی چه. جلوقهوه خانه کوچه مون تو همین کرج نشسته بودیم و گپ می زدیم، آنروز کوچه مون از ماشین پلیس پر شده بود. و رفت و آمدهای آدمهای غریب زیبا دیو دختری با چادری از سر کوجه و از جلو چند پلیس گذشته. پلیسها دختر را به همدیگر نشون دادند آنموقع من فکر کردم لابد زن بدکاره - ای است".

را ننده با حالتی که گویا حرف بسیار زشتی زده و توهین بزرگی به شخص عزیز کرده است حرفش را برید و گفت: "البته میبخشین ها که این اصطلاح را بکار بردم، آخه آنموقع فکر من از این بیشتر قد نمی داد و دوباره ادامه داد: "زن وقتی از جلو پاسیونها گذشت، زود متوجه قضیه شد، کمی که راه رفته بود سریع چادرشو زمین گذاشت میدونی آقا، زن نبود شیر زن بود، کلتش را بیرون آورد و اخطار می کرد که ساک دستت را بر آزار نرنجکه مرتب تیر هوای در می کرد و به ما موران هشدار میداد جلو نیایند".

را ننده اندکی مکث کرد ابروانش توهمر رفته و لبانش غنچه شد. حالت حق به جانبی گرفته و مثل اینکه چیز تازه ای کشف کرده است گفت: "آه اینکه روزنامه های شاه خائن می گفتند اینها به مردم تیر اندازی می کردند دروغ محض است من خودم دیدم او به پلیس ها می گفت: شما گول خورده اید. نا آگا هید." را ننده

دوباره مکث کرد و با قیافه ای عازانه و حاکی از شرم گفت: "آقا در آنموقع من کج شده بودم. اول باری بود که چنین صحنه ای میدیدم، تا آنموقع نشنیده بودم بگویند مرگ بر شاه، زنده باد مردم. از همه عجیب تر خود زن بود همه آن دخترهایی را که من دیده بودم به چیز دیگه بودن و این زن به چیز دیگه، اسلحه دستش گرفته و با ما مورین می جنگید مات و مبهوت مانده بودم".

پاسبان با دهان باز گوش میداد و مرد میان سال زیر لب چیزی می گفت که شنیده نمیشد، را ننده با تبسم گفت: "خوب دیگه نا آگا هی بودیم. همه اش به چیزت بت می شنیدیم، روزنامه ها، را دیو، تلویزیون... همه به چیز می گفتند بلبه داشتیم می گفتم زن در حالی که عقب می نشست به خونه دکتر رفت و وقتی با خانواده دکتر بیرون میا مددکترنا مردی وی مروتی کرد و دختر را نشان داد. سا و آکیها گلگوله توی کمرش زدند. زن در حالیکه بر زمین می افتاد مرتب می گفت: مرگ بر شاه، خلق پیروز است و تیر اندازی می کرد حتی پای یک ما مور را نیسز زخمی کرد. در همین موقع یکی از ما مورهای نا مرد گلگوله ای درست به قلب نا زنین دختر زد و دختر خا موش شد. را ننده با چنان حالتی کلمه نا زنین را ادا کرد که کل وجودش حکایت از احترام و افسوس عمیق میکرد: "بله آقا من بعدها فهمیدم که آن دختر خیلی چیزها می فهمید. می دونست که مملکت دست چه کسانی است. و بخاطر ما جوش را از دست داد. من روی همین اساس فکر می کنم دانشگاهها را برای این بسته اند که دانشجویان را پراکنده کنند و نزارند که آنها حقایق را برای مردم بگویند. آخه دانشجویان خیلی خوب می دونند پشت پرده چه ها می گذرد. مرد ریز اندام ساکت شده بود. حرف نمی زد و با سبیل نا زکش بازی میکرد و دقیقه ای بود به مقصد رسیده بودیم را ننده، کامیون را کنار خیابان نگه داشته بود. من خیره به را ننده آگاه و مصمم نگاه می کردم و با خود فکر می کردم بگری که توسط جزئی ها کاشته شده عالی در قلب توده ها به بار نشسته است و اگر شاه نتوانست با صفت های خرابکار و تروریست انقلابیون را به بند بکشد اگر شاه نتوانست دانشگاه و دانشجویان انقلابی را از خدمت به توده ها باز دارد اینان چگونه خواهند توانست؟ داستان قوی را ننده را میفشارم و سراپا شورا را جدا می شوم.

با اتکاء به نیروی توده ها برای صلح دموکراتیک در کردستان بکوشیم

سابقه تاریخی

خیانت‌های حزب توده (۱)

مدت زیادی در این جهت گامی نبر
برنداشت. "حزب" حتی تا سال ۱۳۲۳
از گسترش سازمان‌های کارگری در
مناطق نفت خیز جنوب که تحت اشغال
انگلیس‌ها بود جلوگیری نمود.
ادامه این "خط اصولی اپورتونیستی"
به شرکت در کابینه قوام السلطنه این
مزدور امپریالیسم نجا مید. یزدی،
اسکندری و کشا ورز در دولت شرکت
داده میشوند و در اینجاست که حزب
خائن به توده به مجیزگوئی و تملق
قوام السلطنه این جاسوس دست پرورده
انگلیس میپردازد و او را مبارز "ضد
استعمار" و "بانی رشد مکراسی" در
ایران مینامد. "بنظر ما آقای قوام -

با صلاح حزب در کوران مبارزه آزموده
نشده و تجربه پیدا نکرده بودند. این
سالها باعث شد که از همان ابتدا
اپورتونیسم بشکل ریشه‌داری در این
تشکیلات جای بگیرد. اما بحران اجتماعی
حاکم و روی آوری توده‌های میلیونی
به صحنه مبارزات طبقاتی در شرایط
عدم وجود حزب واقعی طبقه کارگر
باعث شد که این "حزب" در پناه شعار
های دمکراتیک خود بتواند توده‌های
وسیعی را جلب نماید و به همین علت
نیز خیانت‌های "حزب توده" نقشه‌ی
تاریخی یافت زیرا توده‌های بسیاری
را بدنبال خود می‌کشید.

"حزب توده" در اولین سال‌های
حرکت خود بنام "انترناسیونالیسم-به
تبعیت کوزکوران" از سیاست‌های
شوروی پر داخت و بعزت آنکه شوروی
در جنگ جهانی با انگلستان متحد بود،
"حزب توده" تضاد خلق ایران با
امپریالیسم مسلط بر جامعه یعنی
انگلیس را به فراموشی سپرد. "حزب

توده" نه تنها برضد امپریالیسم انگلیس
مبارزه نمی‌کرد بلکه تا حد امکان
جلوی رشد مبارزات توده‌ها در این
جهت را نیز سد مینمود. و در عوض سعی
داشت از طریق سیاست مماشات با
انگلیس "امتيازاتی" بدست آورد.
مثلاً حسان طبری یکی از رهبران "حزب"
دولت وقت آن زمان را برای خیانت
به خلق اینگونه رهنمود میدهد،
"عقیده" دسته‌ای که من شخصاً در آن
دسته قرار دارم این است که دولت
به فوریت برای امتیاز نفت شمال به
شوروی و نفت جنوب به کمپانیهای
آمریکائی و انگلیسی وارد مذاکره
شود... به همان ترتیب که ما برای
انگلستان در ایران منافع قائلیم
و بر علیه آن صحبت نمی‌کنیم باید
معترف باشیم که دولت شوروی هم از
لحاظ امنیت خود در ایران منافع از
جدی دارد" (مردم ۱۹۰، آبان ماه سال
۱۳۲۲ تا کیه‌ها از ما ست). دقت کنید
احسان طبری (حزب توده) معتقد
است انگلستان در ایران منافعی
کاملاً بر حق و معقول دارد و به همین جهت
نیز به دشمنان خلق رهنمود میدهد که
هر چه سریعتر و "به فوریت" برای
امتیاز نفت جنوب به کمپانیهای
آمریکائی و انگلیسی وارد مذاکره
شود... (مثل اینکه "حزب توده"
خیانت‌های شاه را کافی نمیدانسته
است). "حزب توده" نه تنها بر علیه
منافع انگلیس صحبتی نکرد بلکه تا

"حزب توده" همواره ادعا کرده
است که در تحلیلها و حرکات خود دارای
"سیاستی اصولی" و "خطی منسجم" است.
اینروزها چنین نکته‌ای را بعنوان
یکی از محاسن این "حزب" از ده‌ها
"اکثریتی" ها "نیز می‌شنویم. آنان
به این طریق کمر به فریب هر چه بیشتر
هواداران خود و آماده سازی هر چه
سریعتر آنان جهت پیوند تصویب شده
با "حزب توده" بسته اند. ما در اینجا
سعی می‌کنیم بشکلی بسیار مختصر
(چون در این مورد بسیار نوشته شده
است) روشن سازیم که تنها "خط
اصولی "حزب توده" خط خیانت به
خلق و طبقه کارگر است که همواره با
جدیت تمام به پیش برده شده است و
تنها "سیاست منسجم" این به اصطلاح
"حزب طبقه کارگر" نیز سیاست
دنیا له روی از صحن قدرت و حکام
وقت می‌باشد. "حزب توده" نه تنها در
تحلیلها و سیاستهای خود خط منسجم
و اصولی را بدنبال نمی‌گنجد بلکه
همواره در مسائل حساس چرخشهای
۱۸۰ درجه می‌زند. ما همچنین در این
نوشته به چند مورد از صدها مورد
چرخشهای فرصت طلبانه، اساسی و
تعمین کننده "حزب توده" اشاره
خواهیم کرد.

● حزب توده:

"... سرانجام کمیته مرکزی فرقی
دموکرات مسالمت را در حال بر
منافسه ترجیح داد و با طرح حفظ صلح
در داخل ایران که برای حفظ صلح
جهان مفید است و بمنظور جلوگیری
از جنگ و برادر کشی از قصد مقاومت
صرف نظر نمود و ترک محاصره اعلام شد.
با توجه به فواید کلی که از این اقدام
ناشی میشود باید به جهت از آن هواداری
کرد. زیرا یک عقب نشینی سودمند از
یک حمله زیان بخش بیشتر در خور قبول
است..."

● حزب توده:

"بنظر ما آقای قوام السلطنه با کلیه
زمانمداران پس از شهریور فرقی اساسی
دارد. چون و نخواسته است سیاست
استعماری را تقویت کند بلکه با این
سیاست شوم مبارزه کرده است. اینهاست
آنچه قوام السلطنه را از اکثر رجال
ایران ممتاز میکند. اینها ست آنچه
آزادیخواهان را به سوی قوام السلطنه
توجه میدهد.

توضیح لازم اینکه تنها می‌توان
که از آنها نقل قول آورده شده ارگانهای
رسمی و وابسته به "حزب توده" اند.
در غیر این صورت در همان محل توضیح
داده شده است.

سنگ بنای "حزب توده" از ابتدا کج
نهاده شد. این تشکیلات نه در کوران مبارزه
و نه در یک پیرویه شدید جدال طبقاتی
بلکه بر اثر ایجاد محیطی مستعد که
عمدتاً بعزت جنگ جهانی و خلع رضا خان
بوجود آمده بود در سال ۱۳۲۰ پدید آمد.
به همین علت عناصر تشکیل دهنده این

السلطنه با کلیه زمانمداران پس از
شهریور فرقی اساسی دارد. چون او
نخواسته است سیاست استعماری را
تقویت کند بلکه با این سیاست شوم
مبارزه کرده است. اینهاست آنچه
قوام السلطنه را از اکثر رجال ایران
ممتاز میکند. اینهاست آنچه
آزادیخواهان را به سوی قوام السلطنه
توجه میدهد. (رهبر شماره ۸۲، سال
۱۳۲۵). برای روشن تر شدن خیانت
"حزب توده" در این مقطع بهتر است
کمی شرایط آن زمان و علل روی کار -
آمدن قوام را بررسی کنیم.

او جگر مبارزات توده‌ها در مقطع
سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۵ دولت مرکزی و
امپریالیسم انگلیس را در مجموع به
زیر سوال کشیده بود. در آذربایجان و
کردستان خلق به پیروزیهای دست
یافته بود و حکومت‌های مترقی محلی به
سرکار آمده بودند. در خراسان افسران
مبارز و "میهن پرست" ارتش دست به
شورش زده بودند. درما زندران کارگران

بقیه در صفحه ۱۶

بیمه از صفحه ۱۵

مبارز مسلح شده و با ارتجاع بمقابله برخاسته بودند. در خوزستان و سایر مناطق نفت خیز کارگران و زحمتکشان به بیکاری دلیرانه در مقابل مرتجعین و امپریالیسم انگلیس دست نشانده گانش دست زده بودند. فقر و استعمار فئودالی و مصادب شدید ناشی از جنگ روز بروز توده های وسیع دهقانی را به مبارزه سوق میداد. در این شرایط هیئت حاکمه و امپریالیسم انگلیس از سوی جنبش و مبارزات وسیع خلق تحت فشار شدید فرار گرفته بودند. در تحت این فشار کابینه صدر در زمستان ۱۳۲۴ - سقوط کرد. در چنین شرایطی مبارزات یکپارچه و سراسری کارگران غیور و قهرمان صنعت نفت که در پی خود پشتیبانی وسیع کارگران سراسر ایران را در برداشت نقشی تعیین

سابقه تاریخی حیاتهای حزب توده

وروستا دوتن از رهبران خیانتکار حزب با هیئتی برای خواباندن جنبش عازم جنوب شدند. از سوی دیگر کشتار خلق تبریز و قتل عام بقایای فرقه دمکرات آذربایجان توسط "حزب توده" یک عقب نشینی سودمند خوانده شد. "سرانجام کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان توسط"

دمکرات مسالمت را در هر حال بر سر مناقشه ترجیح داد و با حفظ صلح در داخل ایران که برای حفظ صلح جهان مفید است و بمنظور جلوگیری از جنگ و برادرگشی از قصد مقاومت صرف نظر نمود و ترک مواضع اعلام شد. با توجه به فواید کلی که از این اقدام ناشی میشود باید به جهت ایران - هواداری کرد. زیرا یک عقب نشینی سودمند از یک حمله یا نبخش بیشتر در خور قبول است... (مردم - شماره ۴ سال اول دوره ۵) بلکه حزب مسالمت خوی توده همواره و در تمام طول تاریخ خود صلح بهر قیمت را تبلیغ کرده است. هر چند که این صلح به بهای سرکوب جنبش خلق، به بهای قتل عام مبارزین سربزوبه بهای بی اعتمادی توده ها به کمونیسم پدید آید. حزب خائن به توده همواره صلح بین طبقات را تبلیغ کرده است. صلح کارگر با کارفرما، کشاورز با زمیندار و استعمار شونده با استعمار کننده.

"حزب" بستند تنها پس از این "بی مهربی" ها بود که "حزب توده" با یک پشتک ۱۸۰ درجه به انتقاد از قوام پرداخت. اما باز هم دست از مواضات با "بالاشها" برنداشت و حتی به استانبولی شاه خائن نیز رفت. آنها مات دشمنان ما در اینک ما مخالف رژیم سلطنتی مشروطه هستیم جدا مورد تکذیب ماست. اعلیحضرت شاه جوان ایران هرگونه امکانی را دارا رند که با حمایت از آزادی و قاننون اساسی مورد احترام کامل همه شیفتگان دمکراسی قرار گیرند... (مردم ۱۵ ماه سال ۱۳۲۵) تنها توجیه ممکن برای چنین مجیزگویی و خیانتی اینست که توده ایها بگویند شاه جوان بوده و گول امپریالیستها را خورده است!! و گرنه هیچ شیوه دیگری نمیتوان

● حزب توده:

"نصیب دمکراسی در کشور ما چگونه امپریالیسم را کباب میکند. آقای نخست وزیر (قوام) امروز در محل مقدم چنین صف مبارزی قرار دارند"

کننده در سرنوشت مبارزات طبقه کارگر و خلقهای ایران و برضدا امپریالیسم انگلیس و سیستم حاکم داشت. در این شرایط حساس هیئت حاکمه با روی کار آوردن مزدور فریبکاری چون قوام السلطنه توانست با اتکا به مشی رفرمیستی (اصلاح طلبانه) و پارلمانتاریستی "حزب توده" موجودیت خود و سلطه امپریالیسم را نجات بخشد روی کار آمدن قوام و حیللهای او را میتوان با روی کار آمدن و شعارهای فریبده "دولت آشتی ملی" شریف - اما می مقایسه نمود.

"حزب توده" قوام را دمکرات و ضدا امپریالیست نامید. نضج دمکراسی در کشور ما چگونه امپریالیسم را کباب میکند. آقای نخست وزیر (یعنی قوام) امروز در محل مقدم چنین صف مبارزی قرار دارند" (روزنامه رهبر - شهرپور ماه سال ۱۳۲۵) خلاصه اینکه قوام - السلطنه یعنی جاسوس امپریالیسم آنچنان رهبری مبارزات دمکراتیک را بعهده گرفته که جگر امپریالیسم کباب شده است. حزب خائن به توده در عین حال مبارزات خلق و تیرد عظیم کارگران نفت را وجه الممالجعی برای کسب کرسی های پارلمان و راه یافتن به کابینه قوام نمود. در تیرماه سال ۱۳۲۵ جنبش عظیم کارگران نفت جنوب که مستقیماً امپریالیسم انگلیس را نشان نهفته بود، و خواستهایی چون "عدم مداخله شرکت نفت انگلیسی در امور داخلی ایران" و "عزل مصاح فاطمی" استنادار مزدور خوزستان را در سر لوحه خود داشت. توسط "حزب توده" به سازش با دولت قوام کشیده شد و رادمش

● حزب توده:

"اتهامات دشمنان ما در اینک ما مخالف رژیم سلطنتی مشروطه هستیم جدا مورد تکذیب ماست. اعلیحضرت شاه جوان ایران هرگونه امکانی را دارا رند که با حمایت از آزادی و قاننون اساسی مورد احترام کامل همه شیفتگان دمکراسی قرار گیرند..."

از برای این خیانت شاه خالی کرد. اما "حزب توده" که اینچنین راحت از "قوام السلطنه" و "شاه جوان" تعریف و تمجید میکند، مصدق را "مزدور و سرسپرده آمریکا" ارزیابی مینماید. "حزب توده" در سال ۱۳۲۵ با "حزب ایران" اختلاف نموده بود و در تحلیلها ی خود این حزب را نماینده بورژوازی ملی میدانست و بهر صورت بخوبی با نقش بورژوازی ملی در آن مقطع تاریخی آشنا بود اما با این وجود در مورد مصدق میگوید "مصدق نقش دلال را بازی میکند، دکتر مصدق علناً به منافع ملت ما خیانت میورزد و برای برپا نگاه داشتن نفوذهای ارتجاعی و امپریالیستی به ملت ما از پشت خنجر میزند" (مردم شماره ۲۷ سال ۱۳۳۰) در عین حال به تمامای شریات حزب توده و نشریات و با بسته به آن حتی روزنامه فیکا هی چلنگ در سالهای ۲۸ الی اواخر ۳۰ مراجعه شود). در آن مقطع امپریالیسم انگلیس برای ایران مسلط بود و امپریالیسم آمریکا تنها جم خود را برای بدست گیری منافع طبسمی، ثروت و اوبازارهای ایران آغاز کرده بود. مصدق با درک درست تضاد موجود بین این دو نیروی جهانخواه، شعار ملی شدن نفت را طرح نمود و بدین طریق امپریالیسم آمریکا را که قصد خارج کردن امتیاز نفت از دست انگلیس را داشت به موضعی بی تفاوت و حتی متمایل به پشتیبانی سوق داد (البته نباید بدماضات های بقیه در صفحه ۲۲

● حزب توده:

"مصدق نقش دلال را بازی میکند، دکتر مصدق علناً به منافع ملت ما خیانت میورزد و برای برپا نگاه داشتن نفوذهای ارتجاعی و امپریالیستی به ملت ما از پشت خنجر میزند."

"حزبی" که جنگ ارتش مزدور شاه با مبارزین تبریز را جنگ "برادرگشی" بنا مده مسلم است که مبارزه طبقاتی را نیز مبارزه دوبرادر با هم میبندد که مسلماً برای صلح جهانی! مخاطره - آمیز است. اما با وجود تمامی این مواضات ها و چاپلوسی ها ارتجاع و امپریالیسم بر طبق خصلت همیشگی خود حتی به سازش ها و قرار و مدارهای خود نیز پایبند نمائند. نسد و در سه ماه بعد "وزرای توده ای" را از کابینه بیرون انداخته و در مجلس با ترمه رانی نیز سروی "رهبران" منتظرالوکاله،

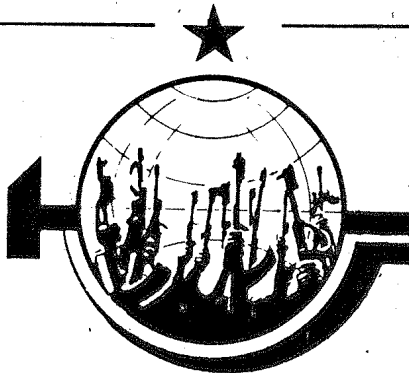
پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران



امپریالیسم آمریکا آماج مبارزات خلقهای جهان

جنبش جهانی

کارگری - رها نبخش



امپریالیسم آمریکا که از طریق کمکهای نظامی، اقتصاد و ارسال مستشاران مزدور خود به تقویت رژیمهای سرکوبگر و ارتجاعی در سراسر جهان مشغول است، اخیراً در پی قرار دادی با دولت ارتجاعی رژیم رسماً اعلام کرده که نیروهای مسلح و پلیس مخفی آمریکا برای مقابله با ما رگسزیم در سطح جهانی دولت آرژانتین همکاری خواهد داشت. این اقدام و توطئه‌های مشابه آن که همه روزه بطور آشکار یا پنهان در سراسر جهان صورت میگیرد نشان دهنده وحشت و خشم آمریکا را میریالیستها از رشد فزاینده جنبش خلقهای تحت سلطه و کارگران انقلابی جهان می‌باشد که همچنان به مبارزات خود علیه سرمایه داری دولتهای حامی آن ادامه میدهند. اخیراً رژیستر گوشه‌ای از مبارزاتی است که طی هفته گذشته علیه امپریالیسم آمریکا و پایگاههای داخلی آن در جهان صورت گرفته و ما از آنها با خبر شده ایم.

★ انقلابیون السالوادور در ادامه مبارزات خود طی روزهای ۱۴ تا ۱۸ فروردین برای چندمین بار در سال جاری به سفارت آمریکا در سالوادور مسلحانه حمل نمودند.

★ در قاهره یک گروه انقلابی در دورن سفارتخانه‌های آمریکا و اسرائیل اقدام به بمب گذاری نمودند.
★ فعالیتهای مبارزین و کارکنانی، آمریکا ثبات مقيم این کشور را بیهوش و خسته انداخته و هفته پیش ۹ تن از اعضای سفارت آمریکا مجبور به فرار از این کشور شدند.

★ گذشته بعنوان اعتراض به وجود پایگاههای آمریکا در یونان یک سازمان مخفی در آتن بنام چسپ انقلابی مسئولیت بمب گذاری در زیر ۱۲ تومبیل پرسنل آمریکا را در یک پایگاه هوایی آمریکا بعهده گرفت.

★ در بارسلون اسپانیا بدعت سازمانهای چپ یک راهیمائی بنا شرکت چندین هزار نفر صورت گرفت. مردم خواستار برچیده شدن پایگاههای آمریکا در این کشور میباشند.

★ در پی اعتراض دانشجویان و رهبران سیاسی ایورسیون به وجود پایگاههای نظامی آمریکا در این کشور ۴ بمب نیرومند در یک کمپ ۲۵ هزار نفری مزدوران آمریکا منفجر شد. همچنین در کتا بخانه دولتی آمریکا در آلمان نیز یک بمب کار گذاشته شده بود که توسط پلیس فاشیستی

اعدام و ترورها سیاه علیه مخالفان حکومت به شدت برقرار است اما این همه نمی‌تواند در عزم راسخ خلقهای عراق و نیروهای انقلابی آن در سرنگونی رژیم فاشیستی بعث خللی وارد کند.

آلمان: مصادره انقلابی ساختمانهای سرمایه داران توسط آلونک نشینها

برلن غربی در هفته گذشته نیز شاهد ادامه مبارزات زاغه نشینان زحمتکش بود. گرچه تا کنون این مبارزات صرفاً در حد اعتراضات و تظاهرات در پایتخت محدود شده است. صورت میگرد و از سوی دولت سرمایه داری سرکوب میشد، هفته پیش خبر اقدام انقلابی زحمتکشان آلونک نشین در تسخیر بیش از صد ویسیت ساختمان از صدها هزار ساختمان سرمایه داران که با خون همین زحمتکشان ساخته شده است، منتشر شد. در مقابل این اقدام انقلابی، ۸۰۰ تن از افراد پلیس فاشیست آلمان به شیوه همه پاسبانان سرمایه داری در حالیکه مسلح به انواع جنگ افزار از قبیل ژ-۳، نارنجک انداز و گاز اشک آور و غیره بودند به ساختمانهای مصادره شده از سوی زحمتکشان زاغه نشین و بی خانمان هجوم آوردند و تعدادی از آنها را به اشغال خویش در آوردند و عده‌ای از زحمتکشان را که مقاومت میکردند زخمی و دستگیر کردند. در اعلامیه پلیس آلمان که بی شائبه اعلامیه‌های سپاه پاسداران بود آنگاه‌ای به اصطلاح انقلاب نیست آمده است که در این عملیات ۸ تن دستگیر شدند و مقادیری میله‌های آهنی و چماق و وسایل دیگر که در درگیریهای خیابانی مورد استفاده قرار میگیرد، از آنها بدست آمده است.

آلمان کشف و خنثی شد. این عملیات برای حکام آلمان و آمریکا بی‌وضعیت‌ها بسیار آید اما نمی‌تواند که طی آن در سال ۷۰ در اعتراض به دخالت آمریکا در ویتنام مبارزان آلمانی به حملات چریکی علیه تاسیسات و منافع آمریکا تظاهرات زدند.

★ استانبول ۱/۱۸، در حمله چریکهای انقلابی ترکیه به یک اتومبیل حامل ۴ مزدور آمریکا یکی از مزدوران مجروح شد.

★ اتحادیه کارگران کویت طی صد و ۱۸ اعلامیه‌ای اقدام تجار و کارخانه آمریکا مبنی بر استقرار نیروهای نظامی و اکتش سریع در عمان و مانور نظامی اخیر آنها را محکوم کرد.

عراق

همچنان که جنگ میان دولتهای ایران و عراق مانع ادامه عملیات سرکوبگرانه علیه خلق کرداییان توسط جمهوری اسلامی نشده است. در عراق نیز اقدامات سرکوبگرانه فاشیستی بعث علیه خلق زحمتکش و مبارز کرد همچنان بعد از شروع جنگ نیز ادامه دارد. رژیم عراق علیرغم امکانات مرکب آن که در اختیار دارد و نموده آنرا در کشتار دست جمعی زحمتکشان شهرها و روستاهای ایران هر روز شاهدیم قادر به سرکوب مقاومت مسلحانه توده‌های خلق کرد نمی‌باشد. به همین جهت تنها در مناطقی که تحت اقتدار فاشیستی وی میباشند هر روز به تشدید بیشتر اقدامات سرکوبگرانه علیه نیروهای انقلابی میپردازد.

زندانها نیز رژیم بعث همچون زندانهای جمهوری اسلامی ایران است از آزادیخواهان و مبارزین کمربندی از این رژیم و برقراری یک رژیم مردمی میکوشند. شکنجه‌ها و میدانهای

(کارگران مهاجر)

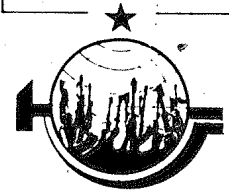
کشورهای سرمایه داری اروپای غربی جهت مقابله با بحران عمومی سرمایه داری و نجات کشور خودی از غرقاب بحران که در آن غلطیده‌اند به انواع شیوه‌ها متوسل میشوند که این با رتلاش مذبحخانه‌شان در توسل بینه شوینیسیم و احساسات ناسیونالیستی بقیه در صفحه ۱۸

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رها نبخش

سازمان

جنبش جهانی

کاپیتولیسم - مائیتس



بقیه از صفحه ۱۷

کشور خویش (توده ها) که نیروی کارشان همواره به ارزشترین قیمت توسط سرمایه داران امپریالیسم غارت می شود) و تنها جم علیه کارگران مهاجر با دستپاچی و فاشیستی و نژادپرست تجلی پیدا کرده است .

دولت انگلیس در مواجه با بحران ژرف اقتصادی و اعتصابات سرتاسری کارگری ، همچون دیگر کشورهای اروپایی ، کارگران مهاجر را هدف اصلی حملات خویش قرار داده است .

پارلمان انگلیس بر اثر فشار راست افراطی ، چندی قبل ، بمنظور جلوگیری از گسترش تعداد خارجیان (آسیائی ها) که در انگلستان بعنوان نژاد رنگینا منیده میشوند ، لایحه ای را تصویب کرد که بر اساس آن ، آسیائی ها و آفریقایائی ها نژاد طبقه ۲نا منیده شدند . و بدین ترتیب با این قانون نژادپرستانه ضد مهاجرت شهروندان تازه تبعیت پذیرفته را از حقوق مساوی با افراد بومی محروم ساخت . علاوه بر این قوانین نظم حاکم بر بریتانیا به پلیس اجازه میدهند ، به طور ناگهانی به منازل و محفل کارگران مهاجر مورد ظن بدلیل پایا نگرفتن تاریخ اقامت پیورش برده و آنها را دستگیر نمایند و حتی بدون حاکمه زندانی کنند . روزی نیست که دهها کارگریا به پوست برآشستر همین قانون به زندان نیافتند .

همراه با چنین اقدامات سرکوبگرانه "قانونی" ، دولت بریتانیا نیز در حمله علیه سیاهان و سرکوب فعالیتهای سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی مهاجرین و نیروهای چپ گردایع نمیورزد .

دو گروه عمده فاشیستی در انگلیس "جبهه ملی" و "جنبش انگلیسی" میباشند . جبهه ملی ، پیش از شکست در انتخابات ۱۹۷۸ ، بیست هزار عضو داشت . و جنبش انگلیسی با سه هزار عضو ، با تشکیل گروههای کماندوئی مسلح ، آشکارا به عملیات فاشیستی علیه زحمتکشان مهاجر اقدام نمینماید . در هفته گذشته ، در رابطه با همین اقدامات فاشیستی دولت و گروههای فاشیستی آن ، بیش از ۱۰ هزار تن از خارجیان مقیم انگلیس علیه لوایح نژادپرستانه در انگلیس دست بسته

را هیماشی و تظاهرات زدند . تظاهرات کنندگان که اکثرآ آفریقایائی ، پاکستانی و هندی بودند ، فریاد میزدند : ما تا آخر خواهیم جنگید و با نوزرسی تبعیض نژادی و لایحه رسمی ضد انسانیت مبارزه خواهیم کرد ."



دولت فرانسه نیز از این اوضاع مستثنی نیست . با بحران اقتصادی که جامعه فرانسه را در بر گرفته ، و با بیکاری بی سابقه و رشد روبه تزاید آن ، دولت فرانسه حرکت اخراج یا تهدید کارگران خارجی را که تعدادشان به بیش از چهار میلیون نفر میرسد ، تسریع کرده است . دولت فرانسه نیز یک سری قوانین نژادپرستانه را اخیرآ تصویب کرده و با قوانین گذشته را مجدداً به کار گرفته است که از جمله قانون ۱۹۳۹ است که جهت ممانعت از فعالیت سازمانهای انقلابی مهاجرین در آن تاریخ تصویب رسیده بود .

اخراج کارگران مهاجر ، از بحران اقتصادی ۱۹۷۴ ، همچنان سیر صعودی داشته و در حال حاضر به ۵۰۰۰ نفر رسیده است و اکنون نیز دولت فرانسه برای رویارویی با بحران بی سابقه ای که گریبانش را گرفته هر روز در برابر درخواست تجدید ورقه اقامت کارگران ، موانع بی شماری می تراشد .

همراه با اعمال فشار از سوی دولت گروههای فاشیستی نیز تنها جم نژاد پرستانه و فاشیستی را افزایش داده اند . از فاشیستی ترین این گروهها ، همانا "فدراسیون ملی و عملیات اروپائی" (F. A. N. E) است که مسئول انفجار روبمستب گذارینا علیه مهاجرین در اکتبر گذشته میباشد . " F. A. N. E " در ارتباط مستقیم با حزب فاشیستی قانونی جبهه ملی و حزب نیروهای نوین که خود وابسته به جناح راست پارلمانی است ، عمل می کنند و ۲۵ % اعضاء آنرا افراد پلیس تشکیل میدهند .

برخورد های نژادپرستانه علیه کارگران مهاجر تنها به دولت است ارتجاعی فرانسه و گروههای فاشیست حائمان ، محدود نمیشود . ریزینویستها حزب کمونیست فرانسه نیز تحت عنوان "حل بحران اقتصادی و از بین بردن بیکاری برای انسان فرانسوی" و در واقع بعنوان یک اقدام تبلیغاتی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری فرانسه ، احساسات ناسیونالیستی توده فرانسه را مخاطب قرار داده اند ، بطوریکه اخیرآ راهیماشی ۱۰۰۰۰ نفری در "ویتری" در اعتراض به افزایش مهاجرین سازمان دادند . اما کارگران مهاجر از آگاه

که اکثرآ از اتباع مراکش ، الجزایر ، تونس ، ترکیه و سنگال بودند ، علیه تمامی این دسایس و سرکوبها در تاریخ ۱۶/۱/۶۰ دست به تظاهرات گسترده ای زدند . کارگران دریان راهیماشی ، ضمن تقاضای همبستگی فرانسوی ها و مهاجرین ، علیه قوانین فاشیستی شعار میدادند .



در آلمان نیز تظاهرات فاشیستی علیه کارگران مهاجر که تعدادشان بیش از ۴ میلیون نفر است ، وجود دارد . نژادپرستان آلمان ، کارگران مهاجر را به "کتیف کردن آلمان" متهم میکنند و از "نژادپرستان آلمان" سخن میگویند .

دولت آلمان قوانین نژاد پرستانه ای را جهت ممانعت از فعالیت سازمانهای سیاسی مهاجرین چپ گرا به تصویب رسانده . بر اساس این قوانین ، مهاجرین از حقوق رای در انتخابات محرومند ، چرا که احزاب پارلمانی از آن وحشت دارند که کارگران مهاجر ، تکیه گاه نیروهای چپ گرا شوند .

در خارج از دستگاه دولتی نیز ، گروههای مسلح فاشیستی ، بر حملات خود به منازل مهاجرین افزوده اند . مثلادرها میبورگ اخیرآ گروه رودر (ROEDER) سه نفر را به قتل رسانده است .

حزب قانونی دموکراتیک ملی نازی (N. P. D.) ، یک کمیته "آلمان برای آلمانیها" تشکیل داده که در رابطه مستقیم با حزب و سازمان فاشیستی ترکیه (گرگهای خاکستری GREY WOLVES) عمل می کند . سازمان اخیر بمنظور تهدید و ترساندن کمیته چپ گرای ترکیه ، به حملات فاشیستی متعددی علیه مهاجرین ترک دست زده است .

در کشورهای دیگر اروپای غربی نیز سازمانهای مختلف فاشیستی سازمان یافته عمل میکنند .



در اسپانیا ، بیش از ۱۰۰ سازمان فاشیستی وجود دارد که در رابطه با ارتش و گارد شهری قرار دارند .



در بلژیک هر چند که قوانین نژاد پرستانه و ضد مهاجرت با شدت کمتری به اجرا در می آید ، بهر حال مسئله اخراج و اخیرآ "پیشنهاد قوانین نژادپرستانه" نیز تهدیدات و فشارهای روبه تزایدی است که بر حقوق کارگران مهاجر اعمال میشود . احزاب فاشیستی در این کشور برگرایشات روبه فزونی ضد مهاجرین

بقیه در صفحه ۱۹

مبارز ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدانیست



افزایش حقوق و مزایای خود به نسبت
کاهش ارزش لیر و کاهش قدرت خرید
خویش بودند به یک اعتماد سه
روزه دست زدند. بر اثر این اعتماد
کلیه پروازهای داخلی لغو و در
پروازهای خارجی نیز اختلال ایجاد
شد.

موزامبیک

روستاهای مرزی موزامبیک بخاطر
حمایت و پشتیبانی خلق موزامبیک
از نیروهای انقلابی آفریقای جنوبی
که علیه سلطه نژادپرستان زومدوران
امپریالیسم در این کشور مبارزه
میکنند، همواره در معرض حملات
وحشیانه ارتش مزدور آفریقای
جنوبی قرار دارند. دولت موزامبیک
برای مقابله با چنین تحولات
جناحیتکارانه ای به یک بسیج عمومی
از میان کارمندان، دانشجویان
کارگران و دهقانان و سایر زحمتمندان
دست زد. افراد بسیج شده بعد از
گذراندن دوره های آموزشی - نظامی
- کمک های اولیه، دفاع توده ای
شامل نحوه شناسایی و ساختمان
سنگرهای ضد هوایی همراه با
سربازان ارتش درواجه های مختلف
آماده مقابله با هرگونه تجاوز
احتمالی میگرددند.

کلمبیا

هما نظر که در شما ره پیش ذکر شد
دولت ارتجاعی کلمبیا بعنوان یک
حربه جدید علیه جنبش انقلابی در این
کشور، اقدام به باصلاح عفو چریکهای
انقلابی در حال نبرد نمود.
خبرگزاریهای امپریالیستی ضمن
درج خبر مذکور طوری وانمود کردند که
گویا چریکهای انقلابی کلمبیا بر سر
دوراهی پذیرش عفو حکومتی و تسلیم
سلاحهای خود به ارتش و پیوستن به
اعزاب رسمی و فرمیست، یا ادامه
مبارزه انقلابی، قرار دارند.
با توجه به ادامه مبارزه انقلابی
از سوی رزمندگان کلمبیا طی در روزهای
بعد، خبرگزاریهای مذکور ناچاراً
اعتراف کردند که هیچکدام از چهار
سازمان انقلابی کلمبیا (نیروهای
مسلح انقلابی کلمبیا - ارتش
آزادبخش ملی - ارتش آزادبخش
خلق و جنبش ۱۹ آوریل) پیشنهاد
دولت کنونی را قبول نکرده و اعلام
داشته اند که راه خود را تا تحقق
تحولات اجتماعی، سیاسی به نفع
خلق ادامه خواهند داد.

از سوی دیگر فرمانده نیروی زمینی
کلمبیا که یک ژنرال مزدور آمریکایی
است اعلام داشته که برای مقابله با
چریکها، ایجاد تفسیرات سیاسی
اجتماعی و اقتصادی در جامعه ضروری
است و این اولین بار است که یک
مسئول دولتی در این کشور زیوانه
جنبش اعترافی می نماید.

پذیرفتن شدیدترین شرایط استعمار
می باشد.

آفریقای جنوبی

بیش از ۷۰۰۰۰ کارگر معدنی در
"ژرمیستون" واقع در شرق
ژوهانسبورگ علیه افزایش اجاره
بها دست به تظاهرات زدند. تظاهرات
کنندگان دفاعتاری مدنی را به
آتش کشیدند. همچنین تظاهرات
دیگری با هدف فوق از سوی معدنیان
شهرک "بیمبسیا" صورت گرفت.
دولت نژادپرست آفریقای جنوبی
اخیراً اجاره بهای منازل را که در
در اختیار کارگران غیربومی قرار
داده است از ۱۸ دلار به ۲۵ دلار افزایش
داده است. پلیس نژادپرست برای
مقابله با تظاهرات فوق از گاز
اشک آوزوپاوم استفاده کرده و
تعدادی را زخمی و دستگیر نموده
است.

هندوستان

۱/۱۸ - ده هزار تن از توتونکاران
هند برای افزایش قیمت محصولات
خود به تظاهرات خیابانی پرداختند.
دولت در مقابل خواستهای برحق
کشاورزان پلیس فاشیست خود را به
سرکوب تظاهرات گسیل داشت در این
جریان ۵ نفر کشته و ۴۰۰۰ تن زخمی دستگیر
شدند. توتونکاران اموال یک تاجر
بزرگ را در همان روز به آتش کشیدند.

فرانسه

۱/۱۹ - اعتصاب کارگران تعمیرکار
کشتی در شهر "برست" فرانسه وارد
چهارمین هفته خودش. بیش از هزار
کارگر اعتصابی خواستار افزایش
دستمزد و نیز تغییر سیستم ارتقاء
شغلی هستند. اتحادیه کارگری
فرانسه از ۲۰۰۰ کارگر تعمیرکار کشتی
در شهرهای دیگر خواست که آنها نیز
دست از کار بکشند. دلیل اعتصاب
نادیده گرفته شدن خواست کارگران
مبنی بر مذاکره با کارفرمایان در
زمینه خواستهای فوق میباشد.

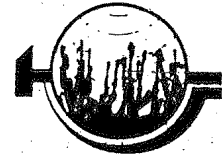


میست هزار نفر از کارکنان شرکت
هوایماشی ایرفرانس با خواست
افزایش حقوق به یک اعتصاب ۲۴
ساعته اقدام نمودند. اعتصاب مذکور
موجب لغو پرواز رفت و برگشت از
پاریس به پایتخت های اروپایی شد.

ایتالیا

۶۰/۱/۱۹، گروهی از مکنیسین
های پرواز فرودگاه رم که خواستار

جنبش جهانی



بینه از صفحه ۱۸

خصوصاً مسئله اختلاف زبان انگلیس
می گذارند. جنبش ملی گرای
فلمیش (FLEMISH)
حملات مسلحانه را بر بخش فرانسه
زبان بلژیک آغاز کرده و جبهه جوانان
نازیه های جدید به آژانسی که
روزنامه های کارگری خارجیان
را منتشر میساخت مسلحانه پیورش
برده است.

مبارزات ضدفاشیستی و ضد
نژادپرستی نیروهای چپ گرای بلژیک
هر روز وسعت بیشتری میابد. در اکتبر
گذشته حدود صد هزار نفر جهت محکوم
کردن نژادپرست و فاشیسم در بروکسل
دست به تظاهرات زدند.

تونس: تجارت نیروی کار

اخذ دولت تونس، گشایش
دفا ترکاریایی برای نیروی کار
ما زاد برای احتیاج خود را در چهار کشور
عربی منطقه خلیج فارس اعلام داشت.
سیاست وابستگی اقتصادی دولت
ارتجاعی تونس به امپریالیستها
مانع گسترش صنایع و صنعتی کردن
کشاورزی در این کشور شده و آنست
همچنان بعنوان یکی از بازارهای
مصرف کالاهای امپریالیستی نگاه
میدارد.

تا قبل از اخذ شدن بحران سرمایه
داری در اروپا، عمده نیروی کارگری
تونس به صورت کارگران مهاجر جذب
صنایع و خدمات کشورهای
امپریالیستی اروپا بویژه فرانسه
میشد. بعد از رشد بحران و افزایش
بیکاری در اروپا و بدنبال تشدید
قوانین ضد مهاجرت در این کشورها
بیکاری روز افزون دامنگیر
زحمتمندان تونس شده است. دولت
ارتجاعی تونس که نتوان از حل
مسائل زحمتمندان است برای جلوگیری
از گسترش اعتراضات و مبارزات
توده ای در رابطه با گرانی و بیکاری،
زحمتمندان کشور را تشویق به مهاجرت
به کشورهای خلیج فارس می نماید،
و با گشودن دفاتر کارگزارانی به عرصه
نیروی کار آنها را به سرمایه داران
مرتجع عرب می پردازد. کارکنان
مهاجر در کشورهای عربی خلیج فارس
تحت سخت ترین شرایط عمدتاً به
کارهای خدماتی و فعلگی می پردازند و
از ترس اخراج از کار مجبور به

انجمن اسلامی کارخانه...

سیاستهای بورژوازی این جناح از حاکمیت رابعه دارند. پرونده حرکت انجمنها، مقابل آنها با منافع، خواستهها، مبارزات و تشکلهای انقلابی کارگران بعلاوه مجموعه ای از اقدامات ضدکارگری و ضددموکراتیک دیگر، آنها را در بین کارگران کاملاً اعتبار ساخته است. کارگران به طور عینی به مبارزه علیه انجمنها پرداخته اند. مبارزه توده کارگران در برابر اقدامات ضدکارگری و ضددموکراتیک انجمنها، بخصوص از هنگامی که این ارگان بطور گسترده وارد عمل گشته، همواره یک وجه مبارزه طبقه کارگر را تشکیل میدهد. کارگران پیشرو و شوراهای انقلابی باید با سازماندهی مبارزات کارگران و ارتقاء آن هرچه بیشتر توده کارگران را در برابر جواختناق، سرکوب، تفتیش عقاید و... قرار داده و از این راه به افشاء و طرد کامل انجمنهای اسلامی را

به پیش برند. همچنین باید توجه داشت که میتوان در مواردی انحلال انجمنهای اسلامی را در دستور قرار داد، لیکن سطح آگاهیه و مبارزه توده کارگران، سطح تشکل و سازمانیابی در این مورد عاملی مهم است. مبارزه بالفعل کارگران حرکت نمود.

باید در نظر داشت که انجمنهای اسلامی ارگانهای انتصابی و نه ارگانهای خودجوش و انتخابی میباشند. آنها بعنوان زاننده های حزب جمهوری تا هنگامیکه حزب در حاکمیت جایگاه و قدرتی داشته باشد، حضور خود را کم و بیش حفظ خواهند کرد. از این رو کارگران پیشرو باید علاوه بر افشای انجمن، زاننده حزب بودن آنها را نیز آشکار سازند. باید از طریق افشای مجموعه سیاستهای انجمنها نشان دادند پیوند آنها با سیاستهای حزب نه تنها ماهیت ضدکارگری انجمن، بلکه ماهیت بورژوازی حزب جمهوری را افشاء کرد. باید کارگران را

نه تنها در مقابل انجمن، بلکه در برابر حزب و سیاستهای ضدانقلابی قرار داد.

از طرف دیگر ضمن آنکه سیاست افشاء و طرد انجمنهای اسلامی باید هر چه بیشتر به کار گرفته شود، اما نباید این سیاست در خدمت مدیریت قرار گیرد. کارگران پیشرو باید نشان دادند وحدت بین انجمن اسلامی و مدیریت در مقابل توده و رویا رونی کارگران، توده کارگران زوایه ما هیت هر دو ارگان بورژوازی درون کارخانه آشنا و حرکت مستقل را تبلیغ نمایند. پیشبردا این سیاست علاوه بر بردن آگاهیه سوسیال - دمکراتیک به میان کارگران تنها از طریق سازماندهی و تشکل توده کارگران در شوره های انقلابی و... امکان پذیر است. چرا که: "بورژوازی نه فقط بوسیله زور، بلکه همچنین به اتکای فکدان آگاهی، سازماندهی طبقه ای، پراکندگی و بی حقوقی توده ها خودش را در اس قدرت نگه میدارد." "لنین"

با کمکهای مالی خود

سازمان را یاری رسانید!

الف	ب	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ظ	ع	س	ش
۶۰۰۰	۱۳۳۶	۱۱۰۰	۲۱۱۲	۵۳۲۳	۲۵۰۰	۱۱۰۰	۵۰۰	۶۱۱	۱۱۰۰	۱۱۱۱	۱۶۲۳	۱۱۲۳
۶۰۰	۱۲۵۹	۱۴۲۴	۱۳۳۶	۲۱۶۵	۲۵۰۰	۳۰۰۰	۷۵۰	۱۰۹۶	۶۰۲	۱۰۲۳	۱۰۱۲۳	۲۰۰
۶۰۰	۲۳۲۳	۲۵۳۰	۲۴۴۴	۴۰۰۰	۵۴۱۷	۹۱۴	۶۱۲	۲۱۱۱	۲۱۶۸	۷۱۱۲	۷۷۷	۷۷۷
۷۰۰	۲۲۷۵	۲۲۷۵	۲۲۷۵	۵۰۷	۲۲۲۲	۵۱۱۱	۵۰۷	۱۵۰۹	۲۵۳	۳۰۸۰	۳۷۹۲	۱۱۴
۱۸۰۰	۳۴۱	۳۰۰۰	۲۲۷۵	۳۰۰۰	۲۲۲۲	۱۷۱۹	۱۰۰۰	۱۰۳۹۱	۴۱۱	۲۷۲۴	۴۱۱	۸۱۶
۱۰۱۰۰	۶۳۹	۱۳۳۳	۲۳۲۳	۱۲۱۴	۱۱۱۱	۲۲۲۵	۱۲۱۴	۱۵۰۹	۵۶۸۴	۵۵۵۵	۲۵۰۲	۱۰۱۲
۵۳۵۵	۷۱۳۱	۲۲۰۰	۲۵۰۰	۱۱۰۵	۲۲۱۲	۲۰۳۶	۱۱۲۳	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۰۰۰	۲۲۲۲	۱۰۰۰
۱۵۱۱۱	۱۵۵۵	۲۵۰۰	۱۶۰۷	۲۲۱۲	۲۲۱۲	۹۳۳	۲۲۰۰	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۲۱۱۱	۱۹۹۹	۲۱۶
۱۰۲۷	۶۵۵۵	۱۰۰۰	۲۴۰۵	۲۵۲	۲۲۱۲	۲۸۲۰	۳۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۱۱
۴۱۱۰	۲۴۰۵	۲۲۷۷	۲۲۷۷	۲۵۲	۲۲۱۲	۲۸۲۰	۳۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۱۱
۱۰۲۲	۱۱۳۱	۱۱۳۱	۱۱۳۱	۲۵۲	۲۲۱۲	۲۸۲۰	۳۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۱۱
۱۰۲۲	۲۵۷۲	۱۱۳۱	۱۱۳۱	۲۵۲	۲۲۱۲	۲۸۲۰	۳۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۱۱
۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۱۳۱	۱۱۳۱	۲۵۲	۲۲۱۲	۲۸۲۰	۳۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۱۱
۶۱۲۲	۲۵۵۱	۱۱۳۱	۱۱۳۱	۲۵۲	۲۲۱۲	۲۸۲۰	۳۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۱۱
۱۰۰۰	۱۵۵۱	۱۱۳۱	۱۱۳۱	۲۵۲	۲۲۱۲	۲۸۲۰	۳۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۱۱
۱۵۰۰	۴۵۵۵	۱۱۳۱	۱۱۳۱	۲۵۲	۲۲۱۲	۲۸۲۰	۳۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۱۱
۸۱۵	۶۶۰۲	۱۱۳۱	۱۱۳۱	۲۵۲	۲۲۱۲	۲۸۲۰	۳۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۱۱
۵۵۴۴	۳۳۳	۱۰۰۰	۳۳۳	۹۳۰	۲۲۱۲	۲۸۲۰	۳۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۱۱
۳۳۳۳	۵۹۹۹	۱۰۰۰	۳۳۳	۹۳۰	۲۲۱۲	۲۸۲۰	۳۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۱۱
۴۰۰۰	۳۳۳۳	۱۰۰۰	۳۳۳	۹۳۰	۲۲۱۲	۲۸۲۰	۳۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۱۱
۸۳۳۳	۳۳۳۳	۱۰۰۰	۳۳۳	۹۳۰	۲۲۱۲	۲۸۲۰	۳۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۱۱
۴۲۰۰	۲۰۰۹	۱۰۰۰	۳۳۳	۹۳۰	۲۲۱۲	۲۸۲۰	۳۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۱۱
۵۳۴۷	۶۳۹	۱۰۰۰	۳۳۳	۹۳۰	۲۲۱۲	۲۸۲۰	۳۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۱۱
۱۲۱۷	۱۵۰۰	۱۰۰۰	۳۳۳	۹۳۰	۲۲۱۲	۲۸۲۰	۳۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۱۱
۶۴۴	۶۰۰	۱۰۰۰	۳۳۳	۹۳۰	۲۲۱۲	۲۸۲۰	۳۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۱۱
۵۰۰۰	۳۱۱۱	۱۰۰۰	۳۳۳	۹۳۰	۲۲۱۲	۲۸۲۰	۳۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۱۱
۲۰۱۲	۱۱۱۱	۱۰۰۰	۳۳۳	۹۳۰	۲۲۱۲	۲۸۲۰	۳۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۱۱
۱۸۰۹	۱۸۱۶	۱۰۰۰	۳۳۳	۹۳۰	۲۲۱۲	۲۸۲۰	۳۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۱۱
۳۱۲۴	۸۱۵	۱۰۰۰	۳۳۳	۹۳۰	۲۲۱۲	۲۸۲۰	۳۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۱۱
۲۰۳۳	۲۰۳۳	۱۰۰۰	۳۳۳	۹۳۰	۲۲۱۲	۲۸۲۰	۳۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۱۱
۱۲۰۰	۲۹۷۰	۱۰۰۰	۳۳۳	۹۳۰	۲۲۱۲	۲۸۲۰	۳۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۱۱
۲۵۷۱	۲۰۰۳	۱۰۰۰	۳۳۳	۹۳۰	۲۲۱۲	۲۸۲۰	۳۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۰۰	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۱۱

مصاحبه‌ای با مادران فدائیان شهید ۳۰ فروردین

و امروز...

مادران فدائی در نیم گذشته تحت فشار قرار داشتند. هر روز ساواک، دهسگرشان میکرد با پخانه‌های پستی و بالا پلستان را قطع میکرد. اما امروز... آنها امروز هم همین فشارها را تحمل می‌کنند. امروز هم حتی سه مرز مسبزگرداخت شهیدان هستند. امروز هم فرزندان شان را زندانی میکنند. امروز هم توهین و بی‌حرستی روبرو میشوند و امروز دشمنان هم دستگیر می‌زنند می‌شوند. این مادران بعنوان نشانه‌های از فشارهای امروزه نسبت سنگ مزار شهیدان در بهشت زهرا اشاره میکنند.

اخیرا رژیم جمهوری اسلامی سه دلیل برای شکنج زانگای خود به ما، دشمنی با شیرویه انقلابی سوزیده فدائیان خلق را به حدی اشاره کرده که می‌مرازشان فدائی را که در مبارزه ای می‌ماند و شهر ما را تا به روز می‌تواند و در جهت منافع زخم‌کشان، زخم‌دهنده، مورد بی‌شرفی قرار داده و سنگ مزار آنها را در دم شکسته است. این اعمال کثیف رژیم اعتراضی و ستیزه‌آمیز مردم مبارزه فدائی را تا حدی فدائیان خلق خود را ندانند و نیز تمام آنها را که تا حدی صحنه‌های بی‌دریغست زهرآلود هستند برانگیخته است. مسأله یکی از این فدائیان شهید میگوید: مزار شهیدان ما را تا به روز می‌تواند با بدست آوردن لیسیت مجرمان ساواک در بهشت زهرا بیدار شد. ما قبلا نمشی دا نستیم مزار فرزندان ما نکجا است. کار لازم جمهوری اسلامی با اینکار ها فکر میکنند می‌توانند کار یکدیگره تا زاری از اینها نشا شکمه مردم بنده سندانها را با زهره مردم ما رز کرده اند و شهید شده اند. تا خلق طره اهن بنهیدار هرگز از تاریخ ما زارت با غوغا ها یک کش نمیشود، حتی اگر از شری زمارشان نماند.

این در فدائی دریا سنجیکه شما و دیگرها معا ایخا نوا ده ها شهیدای سازمان چه عکس العملی نشا ندا دیدید؟ میگوید: ما به دا دستگیری رفتیم، به موسوی اردبیلی تا همه نوشتیم، به زاندا مروری که هر یک هم مرا جمع کردیم. ما مسور فرستادند با یک ما مورا بهشت زهرا عکس برداریم کردند. ما دستگیر شدیم با دستگیری سربید، آنجا هم جوابی ندا دادند. مسئول بهشت زهرا گفت مردم ما بنده اینها را می‌شکنند. ما گفتیم مردم نیستند اما لانه‌های شما هستند. ما با لافزارها و حکمی را نشا ندا که از طرف معده کیلانی خاکم در دریا ریخ ۵۹/۶/۱۱ ما در شده بود. در آن یکمبا لحن توهین آمیز می‌بوده که "لانه کفار و اراکوسان مسلمان بنده زانده سیرون". ما به او گفتیم از طرف ما خا نوا ده ها شهیدایه آقا ای کشم زور بگوئید که وقتی فرزندان ما قهرمانان به نباشند و ساواکها و مزدوران ما زهره می‌کشند تا این در کرد ما سوراخ موشی می‌بویند؟ با بدبیا جواب ما بدیدگار با مزار فرزندان شهید ما اینها کردید؟ جطور نمیری و امثال تسمیرها اشکالیندا در که در اینجا دفن شوند ولی چه ما که ما همین ما زهره ز کرده اند تا اینها بنده نیست؟ مسئول بهشت زهرا بما جواب داد که چوین این مفسدين خود لسان گفتند که مسلمان هستند، می‌شود در این دفن باشند! ما درها می‌گوئید حقیقت اینستکه این رژیم از انقلابی بودن فرزندان ما وحشت دارد، از نام سیاسی میکند. سیزن در یک خا نوا ده سیاسی متولد و سیزن شده بود، پدرش -

و حتی سیزن هشت ساله بود یاد مکتبات ها به شوری رفت، عموها بی‌دانشی - با حق و غلامه تقریبا تمام افراد قابل سیاسی بودند، من خودم هم یکبار ریخاطر فعلیت ها به دستگیر شدیم، بنابر این سیزن خیلی زود با جریا نهای سیاسی آشنا شد، می‌شود گفت سیزن از سالهای ۱۳۲۵ مازره را شروع کرد. بعد از ۱۵ خرداد او و رفقا پیش با این نتیجه رسیدند که دست خالی نمی‌تواند... دیکتا توری شاه و امیربا لیسیم مبارزه کرد. دست به تدارک مبارزه مسلحانه زدند. سال ۴۶ سیزن و رفقا پیش دستگیر شدند اما مبارزه تا در زندان هم ادامه داد اما یافتن زندان را تبدیل به آتشگاه انقلاب کرده بودند. ما در رفیق احمد جلیل افشار می‌گوید: وقتی فهمیدم سیرمرا دستگیر کرده اند چهل روز و نودگی کردم تا خودم دستم ملاقات بگیرم ولی چه ملاقات... مسرا برنده به یک اتاق، دیدم ما حدرا هم دا رندیا می‌ورند، احمد بنیوکه، نشناختیم... یک کله قرمز موم کرده و با نیچیده، دونفر هم زور پیش را گرفته بودند، سرافرا گرفتیم و گوئیدم... دیوار گفتند پدرسگ، چکا کرده ای... احمد را بردند، همین، ملاقات ما همین بود. بعدها می‌دیدم دوشال تبارا که تسبیح شد، بعدها آوردند زندان تهران و آنطور شهیدش کردند. ما در رفیق سعید کلانتری می‌گوید: وقتی سیزن را گرفتند (سیزن خواهرزاده سعید کلانتری بود) ساواک چندبا رها نه ما ریخت، آنها دنبال سعید می‌گشتند. ما میگفتیم سعید کاره ای نیست، مغازای ما دا دو کوه نور می‌کند، میگفتند کارش دا ریم، ما از رفقا پیش هستیم، سعید دا خبر شده و از خا نه رفته بود و فرار رسود تکبفر او و دو رفیق دیگرش را از مرز رد کردند. ما دیگر از سعید خبر ندا شتیم و فکر می‌کردیم رفقا است تا بگور زرفقیم سیزن را ببینیم خا جملیل افشار گرفت من سعید را دیدم که دا شتند می‌برند، گفتیم... سعید رفته... گفت نه خودش بود. می‌شناختیم... آخر ما با خا نوا ده جلیل افشار هم باه بودیم.

ما در سعید که با ظریبما ریختی قادر به حرف زدن است می‌گوید سعید من به جای که همه اش توی کوه بود توی سر و سراسر ساواک که چا در میزد میماند در زندان شاه آمگرفت، شش سال زندان، دستگیران بود، سل گرفت آخرش هم آتور.

این مادران که در سالهای گذشته با فشارها و شکنجه‌های فراوان روبرو شده‌اند، در این مصاحبه به بیان خاطرات دردناک فرزندان شهید خود پرداخته‌اند. آن‌ها از شرایط زندان، شکنجه‌ها و تلاش‌های خود برای آزادی فرزندان یاد می‌کنند. آن‌ها همچنین به نقش خود در تربیت فرزندان و آماده‌سازی آن‌ها برای مبارزه اشاره می‌کنند. آن‌ها می‌گویند که در آن زمان، مادران نقش بسیار مهمی در حفظ روحیه و امید فرزندان داشتند. آن‌ها می‌گویند که در آن زمان، مادران نقش بسیار مهمی در تربیت فرزندان داشتند. آن‌ها می‌گویند که در آن زمان، مادران نقش بسیار مهمی در تربیت فرزندان داشتند.

ما در سعید که با ظریبما ریختی قادر به حرف زدن است می‌گوید سعید من به جای که همه اش توی کوه بود توی سر و سراسر ساواک که چا در میزد میماند در زندان شاه آمگرفت، شش سال زندان، دستگیران بود، سل گرفت آخرش هم آتور.

سرما به داران تجا ریخته و از استعمار و غارت خلق توسط آنان حمایت نکرده پس چگونه آنان توانسته اند در این مدت کوتاه به ما این همه یکلان دست ما بیاوند.

سرما به داران تجا ریخته و از استعمار و غارت خلق توسط آنان حمایت نکرده پس چگونه آنان توانسته اند در این مدت کوتاه به ما این همه یکلان دست ما بیاوند.

سرما به داران تجا ریخته و از استعمار و غارت خلق توسط آنان حمایت نکرده پس چگونه آنان توانسته اند در این مدت کوتاه به ما این همه یکلان دست ما بیاوند.

۲۰۰ میلیارد...

طبق آماریکه در تاریخ ۱۷ فروردین از جانب عزت الله صالحی سربیرست سابق سازمان برنا هم بنوده اراکه شد در سال گذشته این چهار روزگرا جمعیتا نیمه پانچ بیخا ترکو چکتیپا اعتباری برای فرایش دستمزودا قتل امکانات زندگسی مرکب گشته و قدا انقلاب محسوب می‌شوند. در حالیکه وام مسکن کوچک هر یکنه اراکه رگرا یوکا رصندا جزء حرف می‌گردد. سببش و ما اعتبار در اختیار رسما به - دارا رفتار می‌گردد تا با وارد کردن کارهای آمریکا نشی و اروپا شیروا یعنی از کشورهای دیوسی و اما رات متعده عربسی و فرورژا نشا با چندین برا برقیقت خون زخم‌کشان را بکنند. آن را با قیمت کیلوشی ۲۸ ریال وارد و کیلوشی ۱۲۰ ریال با مغروش بسمه

سابقه تاریخی خیانتهای حزب توده

بقیه از صفحه ۱۶

مصدق با آمریکا را فراموش کرد اما در کلیت حرکت او با درک درست انجام یافته است. "حزب توده" در این شرایط مصدق را آمریکا بی میانه میابد. اخبار و اطلاعات که در ایران و خارج منتشر میگردند نشان میدهد که در وضع فعلی دکتر مصدق در راه یک زدوبند تنگن در باره نفت و مسائل مهم دیکر سیاسی کشور با امپریالیست های آمریکائی و انگلیسی است (نویسنده شماره ۵۰۴ سال ۱۳۳۱) و در عین حال شعار "ملی شدن نفت" را که از سوی مصدق طرح شده بود شعار طرح شده از سوی آمریکا قلمداد میکرد (مردم - ۵ تیر ماه سال ۱۳۳۰) و آنگاه این "حزب طراز نوین طبقه کارگر" درست در شرایطی که بورژوازی شعار "ملی شدن نفت" را میداد به طرح شعار عقب مانده ای چون "ملی شدن نفت جنوب" پرداخت. نما می این اشکال برخورد که تضعیف شدید مصدق را در پی داشت تا واسطه سال ۱۳۳۱ ادامه یافت. و فقط پس از قیام ۲۰ تیر بود که "حزب توده" پشتک دیگری زده و به حمایت از مصدق پرداخت. ولی این بار نیز پس از مدتی کوتاه به دنیا لهری بی چون و چرا از "خط مصدق" در غلطید. حزب توده ایمن را این "سیاست صولی" دنیا لهری از بورژوازی را آنچنان آدامه داد تا به خیانت تاریخ ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ منجر گردید. در ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ "حزب توده" با

و جود بیش از یکمدهزار تن عضو حزب و سازمان جوانان (و این عده بجز تعداد بیشمار هواداران بود) و با وجود سازمان نظامی قدرتمند خود - چون میخواست بدون اجازه مصدق حرکتی نکند - ملاحظه کردی انجام نداد! "حزب توده" بعدها برای آنکه بخیال خود تمامی تفصیلات را بگردن دکتر مصدق بیندازد اعلام کرده که چندین بار با دکتر مصدق تماس گرفته شد و او ما دگی خود را برای مقابله با کودتا اعلام کردیم ما او گفت "همه چیز تحت کنترل است" (حزب توده ایران و دکتر محمد مصدق) دقت کنید که "حزب طراز نوین طبقه کارگر" از کودتای امپریالیستی آگاه میشد، قدرت و اما دگی مقابله با آن را در او آنگاه منتظر دستور حمله از سوی بورژوازی می ماند. برای آنکه عمق این خیانت تاریخی "حزب توده" و رهبران خائن آن روشن شود بهتر است بدانیم که سازمان نظامی "حزب" که بسیار رگسترده بود درست تا یکسال بعد یعنی ۱۶ مرداد ماه سال ۱۳۳۳ با برجا بود و کوچکترین ضربه ای نخورده بود و در عین حال در زمان کودتا کار دشمنی زاهدی (رهبر کودتا) و همچنین رئیس کار در محافظ ساختمان را دیو (که تسخیر آن برای کودتا حیاتی نقش تعیین کننده را بازی کرد) جزء اعضای سازمان نظامی "حزب توده" بودند و همچنین بهتر است بدانیم که مسئول سازمان نظامی در آن زمان نورالدین کیا نوری بوده است. بهر صورت رهبران خائن حزب تا آنجا که توانستند گریختند و توده های عظیم حزبی را سرگردان و در مانده رها کردند. چه بسیار از توده های حزبی و اعضای پائینی "حزب توده" که ما دقانه رزمیدند و تا پای شهادت نیز به خلق وفادار ماندند. یا دشمن گرامی باد.

(ندامت و خیانت های "حزب توده" پس از کودتای ۲۸ مرداد در آدر شماره های آینده بررسی خواهد کرد)

رفقا و هواداران سازمان

روز اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران نزدیک می شود. وظیفه همه نیروهای انقلابی و فادایان طبقه کارگر است که خود را برای برگزاری هر چه با شکوه تر این روز آمامه کنند. بدین منظور نخستین وظیفه ما اینست که شعارها، تراکتها و اعلامیه های مربوط با این روز را وسیعاً به درون طبقه کارگر ببریم. از همه هواداران سازمان میخواهیم که در هر کجا هستین و با هر امکانش که در اختیار دارید، در تکثیر و توزیع تراکتها و اعلامیه های سازمان بکوشید و شعارهای سازمان را بردارید و دیوارشوها و روستاها بنویسید. شعار محوری سازمان برای اول ماه مه این شعار است:

"برای گسترش مبارزه ضد امپریالیستی اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) را به روز مبارزه علیه سرکوب و اختناق قوا ایجاد شوژاهای انقلابی تبدیل کنیم."

اما علاوه بر این شعارهای زیر را نیز بر روی دیوارها بنویسید.

پیروز باشید.

- کارگران سراسر جهان متحد شوید.
- کارگران، کارگران اتحاد علیه سرمایه دار
- بیکاری، گرانی، خشن دشمن زحمتکشان کار، کار، آزادی، آزادی شعار زحمتکشان
- گوشت گران، بُشن گران، بیکاری و حسرتان بیایا زحمتکشان، بیایا زحمتکشان
- از جنگ ارتجاعی - زحمتکشان بیزارند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند
- شعار زحمتکشان: ادا ما انقلاب سیاست حکومت توقف انقلاب
- بهداشت، مسکن و نان برای آوارگان تا مین باید گردد

- سازشکاران بدانند، کارگران بیدارند نه سازش، نه تسلیم، نبرد با آمریکا
- ۴۰ ساعت کار و ۲ روز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است
- حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست
- شاعر هر فدائی استقلال، کار، مسکن، آزادی
- اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی جهانی کارگران گرامی باد
- دانشگاه، این سنگر آزادی، با نظم شورائی گشوده باید گردد

روز اول اردیبهشت

بقیه از صفحه ۲

یعنی بازگشتی دانشگاهها با نظام شورائی و تضمین آزادی فعالیت سیاسی و صنفی را به شکل ممکن به میان توده ها برده و تبلیغ و ترویج کنید.

لیبرالها و بویژه رئیس جمهور بنی صدر در شرایط کنونی برای جلب توده ها و دانشجویی کوشش خویش را در سرکوب سراسری اول اردیبهشت ۵۹ آنها ساخته و صرفاً حزب جمهوری اسلامی را مسئول این جنایات قلمداد کنند. آنها علیرغم آنکه با طمان و ما هیئت دشمن جنبش دموکراتیک دانشجویی هستند اما در شرایط سیاسی کنونی

حق تعیین سرنوشت حق مسلم خلقهاست



آیت الله خمینی

بعضی از اینها آن رفیق خودشان را شکنجه میکنند برای اینکه بگویند ما دادیم!!!

آیت الله خمینی در سخنان خود در روز هفتمین سالگرد انقلاب حضور رئیس دادگستری انقلاب اسلامی مرکز و تنی چند از مسئولین این دادگاهها به نکات مهمی اشاره نمود. آیت الله خمینی در این سخنان در عین تأکید کامل بر تعالی اعمال و حرکات نماز و دعا و اعمال هرگونه شکنجه و ضرب و جرح توسط نهاد های مملکتی را نیز مورد تأکید قرار داد. آیت الله خمینی در این سخنان مرجعاً گفت که گروهها و سازمانها مترقی خود شما به شکنجه و آزار و ستم اعداء و مجبوران خود می پردازند کسند!

سالها عمل شکنجه آنچنان رسوا گشته و از برده سیرون افتاده است که دیگر هیچ مقام و هیچ دستگاهی قادر به انکار وجود آن نیست. همه ما شاهد نمازها به سحره گروه ریدگی به تا بیع شکنجه ای بودیم و دیدیم که چگونه حاکمیتی که خود میهنم ساله شکنجه کردن است برای بزرگی ساله شکنجه گروه تشکیل داد. دیدیم که حتی همسین گروه هم از وضعت رسوایی و او حکمیری خشم توده ها را علامت کرده و نتایج کار خود را فقط به "عرض امام" میرساند و وظیفه های در قبال اسلام آن به توده ها ندارد. در نهایت هم دیدیم که چگونه انحلال گروه رسیدگی به "تایه شکنجه" با بیانه سحره ای چون "ولت داشتن و اشتغال زیاد" اعلامی گروه اعلام شد. دیدیم که چگونه آقای "موسوی اردبیلی" در عین اعلام انحلال این گروه گفت که اگر هم ساله ای وجود داشته است با تشکیل گروه سحره نفی بوسی اختلافات متنی است!! بله آقای موسوی اردبیلی به خوبی در این حملات خود روغن میکند که اولاً از ابتدای ساله شکنجه و شکنجه نبوده مطرح نبوده است بلکه طرح این قضیه از سوی سید مرتضی فقط "خرده حساسی" بین دو جناح حاکمیت بوده که آنهم با تشکیل گروه بررسی اختلافات صورت "درونی حل"

می شود. بهر حال تمامی این جریانات عظیم از پیش روشن ساخت که ساله اعمال شکنجه آنچنان واضح و مستدل است و آنقدر مدرک و سند در این مورد وجود دارد که انکار آن بهیچ صورت ممکن نیست و به همین دلیل نیز تمام سعی سردمداران رژیم حتی آیت الله خمینی مجبورند بر وجود شکنجه اعتراف نمایند. و فقط با ابداع رسمی میکنند تا بصورتی این عمل را از سر خود بیاورند.

آیت الله خمینی این عمل را به خود نیروهای سیاسی نسبت میدهد. او به راحتی میگوید "تعمی از اینها آن رفیق خودشان را بیخوش میکنند و شکنجه میکنند برای اینکه بگویند ما دادیم!!! البته باید در نظر داشت که این نقطه نظر جدیدی نیست این سخنان با رها و بارها به اشکال مختلف توسط سردمداران حزب جمهوری اسلامی به خورد مردم داده شده است. سران مرتجع حزب بارها ادعا کرده اند که نیروهای انقلابی خود را میکشند! خنجر میزنند، زخمی میکنند و حتی با چماق به یکدیگر حمله میکنند تا آنرا به گردن "سپاه دهیای انقلابی" چون سپاه پاسداران اعلام کنند. "حزب الله" را بدنام کنند! و بارها از زندان بارها ادعا کرده اند که نه تنها ما بهتریم و عادلیم و شرایط را برای زندانیان فراهم کرده ایم و نه تنها کوچکترین شکنجه و ضرب و جرحی در کار نیست بلکه زندانیان سیاسی پاسداران و محافظین را شکنجه میدهند (انسان بی اختیار به با چماق قدرتی می افتد که تا کمال وقت علیه چماق قدرتی در دستگاه متحن شده بودند).

همواره رژیم های صدمه دمی پایه های قدرت خود را بر روی توهم و آقا می توده ها استوار میکنند. اما آیت الله خمینی و سران حزب جمهوری اسلامی بین از جدی بر روی توهم توده ها حساب کرده اند. توده های خلقی، کارگران و زحمتکشان که در زندگی

روز مره خود با رها و بارها هدرسکوب و حشیانه و فحش و ستم آنها و آرگان های سرکوب رژیمند. کارگرانی که در هر حرکت اعتراضی، اعتراضیه و تجمعی... با سرکوب مستقیم کمینته کارخانه و با سپاه پاسداران مواجه می شوند، کارگرانی که حتی انتحالات شوری خود را با بدبیزیر سرنیزه سپاه انجام دهند. دهقانان که به مجرد کوچکترین حرکتی در جهت احقاق حقوق خود، در جهت بدست گیری زمین های مالکین و فئودالها، در جهت بدست آوردن آب و برق و سایر لوازم... توسط سپاه و ژاندارمری که بی حسامیت از زمینداران زمین می چیرند سرکوب می شوند. دهقانان، که با رها و بارها تمام می هستی شان توسط سرکوبگران رژیم ویران شده و بی غارت رفته، دانش آموزان، که هر روزه فشار سرنیزه سپاه و کمینته را بر گردن خود لمس میکنند و حتمتکشان است که خانه هایشان به سپاه خارج از محدوده و با "نصبی بودن" زمین توسط کمینته و سپاه بر سرخود و فرزندان شان ویران شده... همه و همه بخوبی به ما هیت سرکوب رژیم و آرگانهای مملکتی پی برده است و توسط افسارگریهای نیروهای انقلابی و متا هده، دهها عکس و نمونه و سند از شکنجه های و حشیانه رژیم جمهوری اسلامی بخوبی میداند که چگونه رژیم در بی شگاری انقلابیون است، چگونه ترور، شکنجه، خانه های امن، ضرب و ستم، آزار و اذیت و تجاوز در جهت سرکوب و نیروهای مترقی بکار گرفته شده است.

خلق چشمان خود را می گشاید. در اثر تجربه ای عملی خویش بیش از پیش نیروهای انقلابی را در کنار روسا و خود رژیم جمهوری اسلامی را در مقابل خویش می یابد. سندی که توهمات خود را می زداید و به همین ترتیب سیردیکر دروغهای و فریبها و سرنگهای کثیف رژیم رنگ می یابد و محدود تبدیل می شود. هر دروغ، هر فریب و هر ترسک چهره گریه و فطرتی رژیم را بیشتر نمایان می سازد.

تیرباران در ملاء عام، خشم مردم را برانگیخت

دو شنبه دهم فروردین ماه جاری میدان غارتگران دچار جو زئیم و وحشت و ناامنی و اضطراب شد. مردم این محل که با خود را با اعدام پنج نفر در ملاء عام رو برو کردند، این خبر را با شوق و هیجان فراوان با شور و شوق فراوان در میان مردم تیرباران شد. آنگاه که مردم را از این واقعه مطلع کردند، آنها را کثرت دیدار در بیست و نه فاطمه اصنی ریدیف گه داشتند، ما موری حکم آنها را چنین خواند: "این افراد بنا می آید... بحریم جرید فروش مواد مخدر مردم فی الارض شناخته شده و بی عذر دادگستری انقلاب اسلامی محکوم به اعدام میباشند." بعد از چند تا نسیه هم دادگستری تیرباران شد و حکم بر سرله اجرا درآمد. با اجرا و تیرباران آن که با آنجا که در جوار و وحشت خاک می شد، مردم تشدید اعتراض داشتند، او این عمل و حشیانه را محکوم میکردند. جمعیت زیبا در جمعی تده بود و دستور کمینته ها برای اصراف کردن آنها در بیست و نسیه تیرباران می خوا شد.

مردمی که شاهد این صحنه ها بودند میگفتند سیران اینها، آنها را آنهم با این شکل اطلالدرست نیست. دولت با بدبازی اینها که رشیه گدازان دست از قاچاق بردارند، شیرویان چاه و کار نیست. یکی میگفت اگر هم میخواستند اینها را

اعتماد و اعتراض

اعتماد میکنند ببرد میدان تیرباران را میکنند، جلومردم غلط است. آخر اینها همانسان هستند. مردمی بسا خشم خطاب به ما موران میگفت: شما پدر ما را در آرزوید این آزادی است که ما داریم، ببین چه جور مردم را میکشند... و زنی میگفت با بدبازی چماق زور علا کرد، این بدبخت ها که کارهای... نیستند، این طریقه مبارزه با قاچاق فروش نیست. بی طرفی نیست. بی طرفی تمام آنها که در آن صحنه حاضر بودند این عمل رژیم جمهوری اسلامی یعنی تیرباران در محل خانه و زندگی مردم را محکوم میکردند.

انقلابی دیگری در بندرعباس به شهادت رسید

پاسداران یک هوادار محاهدین را وسط خیابانها شکیک کلوله شهید کردند.

درگیری های حزب اللهی ها و پاسداران با نیروهای مترقی مردم و آگاه و مبارز رژیم است. در اکثر شهرها و بخش ها جریان دارد. این درگیری ها و زد و خورد ها تنها از این پسند ما است و بحال، چند شهید بها گذاشته است، در را مسر، در کتالم، در شیراز، در قزوین و در بندرعباس پاسداران به تیرباران سیاسی مترقی پورش میبردند و ضلعی امت بدون اینکه ببینند و بیستم مشولینی داشته باشند، ما آنها را میقتارند و یک انقلابی را بخون میکشند.

بیست و هشتاد سفند ما گذشته است دخترها در زمان محاهدین خلقی ایران در بندرعباس به مشول فروش - تیرباری مجاهدین بود که مورد حمله پاسداران قرار میگیرند، یکی از آنها خود را نجات داده و فرار میکند، یکی را دستگیر میکنند و صدمت قویتر کرده است. دست به مقام و افتا گریزه بود.

زندانیان سیاسی زندان بندرعباس

بقیه از صفحه ۲۴

زندانیان سیاسی زندان بندرعباس در روز بیست و هفتم اسفندماه گذشته بمنوای اعتراض به ضرب و جرح و توهین به یکی از همبندهای خود دست به اعتصاب غذا و ملاقات میزنند و اعلام میکنند که تا رسیدن به خواسته های خود به اعتصاب ادامه میدهند. در این روز وقتی یکی از زندانیان از تاسیقات ملاقات خارج میشود مورد آزار و ستم و توهین و ضرب و شتم قرار میگیرد و راه سلول انفرادی منتقل میکنند و در نتیجه فتاوت اعتراض با بر زندانیان بنا چاره و راه بند بازمیگردد است. شرایطی که زندانیان بسنوا نخواست خود برآی آنها با اعتصاب اعلام میکنند تا مثل:

- ۱- تا مین جاننی زندانیان سیاسی
- ۲- مجازات و محکوم کردن ما ملین ضرب و شتم و فحاشی به زندانیان سیاسی
- ۳- اعتصاب، غذا و ملاقات و هوا خوری بین زندانیان، به زده روز ادامه داشت.

دزخندان

زنان زندانی سیاسی در زندانها که در بند عمومی به سر میبرند تا آنجا که در شرایط مناسبی قرار ندرند از حد اقل امکانات مربوطه به یک زندانی سیاسی نیز بی بهره اند. از دهم فروردین دست به اعتصاب غذا زدند. آنها خواست های خود را این شرح اعلام کردند:

- ۱- تعیین تکلیف زندانیان جنون
- ۲- زندانیان بمدت طولانی لا تکلیف در زندان میمانند.
- ۳- جدا کردن زندانیان سیاسی از جنا بکاران، ارا و اکی ها کوینا جان
- ۴- زندانیان آنها که به فحاشی، قاچاق یا دزدی متهم شده اند.
- ۵- کتاب
- ۶- محل ثابت برای محکومین
- ۷- بهداشتی کردن محیط زندان و جلوگیری از مبتلایان زندانیان به بیماریهای گوناگون بوسیله غوثی.
- ۸- جلوگیری از ضرب و جرح سوانه های زندانیان.
- ۹- جلوگیری از اعمال خنارهای روحی و جسمی توهین، تنگ حرمت و تک در سبیله گروه ضربت و پاسداران بوسیله در سلولها.
- ۱۰- دادن ملاقات حضوری خانواده ها

اما بنا، با شکیبایان و جلو چشم همه مردم با شکیبک یک کلوله در منترش شهید میکنند.

مردم شهر ما زها را تعطیل میکنند و دست و پایی همی میزنند. شنبه اول فروردین برای تشیع جنازه شهید جمعیت انبوهی از آنها لیه پهر زلشید، بیما رستان جمع میشوند. در آنجا به آنها میگویند شما رعلیه پاسداران، ضد انقلابی است و نباید بدبخت و گرنه جواز دفن ما در منتهی. بهر حال خا نواده شهید و مردم، جسدا گرفته وطی

داس است خون من درد دست بزرگر



پتک است خون من درد دست کارگر

عطا خانجانی ۵۸/۰۱/۰۶
علی محمدخوجه ۵۸/۰۱/ -
اراز محمددردی پور ۵۸/۰۱/۰۶
آنه بردی سرافراز ۵۸/۰۱/ -
قربان (آرقا) شفیعی ۵۸/۰۱/ -
نور محمدشفیعی ۵۸/۰۱/ -
فیروزشکری ۵۸/۰۱/ -
عبدالله صوفی زاده ۵۸/۰۱/۰۶
فیروزصدیقی ۵۸/۰۱/ -
غفور عمادی ۵۸/۰۱/۰۶
محمد رسول عزیزیان ۵۸/۰۱/ -
بردی محمدکوسه غزازی ۵۸/۰۱/۰۶
محمدابراهیم مفتاح ۵۸/۰۱/ -
ناصرتوفیقیان ۵۸/۱۰/۱۷
پروین افروزه ۵۹/۰۱/ -

عزیزسرمدی ۵۴/۰۱/۳۰
عباس سورکی ۵۴/۰۱/۳۰
حسن ضیاء ظریفی ۵۴/۰۱/۳۰
مفتوح (سعید) کلانتری ۵۴/۰۱/۳۰
حمیداکرامی ۵۵/۰۱/۱۸
محمد رضا کامیابی ۵۵/۰۱/۲۹
علی میرابیون ۵۶/۰۱/۱۴
بداالله سلسبیلی ۵۶/۰۱/۰۹
پریدخت (غزال) آیتی ۵۶/۱۰/۱۰
سیمین پنجه شاهی ۵۶/۰۱/۱۰
عباس هوشمند ۵۶/۰۱/۱۰
جلیل اراضی ۵۸/۰۱/۰۶
بهرام آتایبی ۵۸/۰۱/۰۶
محمد آراز (بهروز) بهنام ۵۷/۰۱/۱۰
قربانعلی پورنوروز ۵۸/۰۱/ -
سعید جوان مولائی ۵۸/۰۱/ -

گرامی باد خاطره

شهدای فروردین ماه

صدرنکریمی (آرمان خلق) ۵۰/۰۱/۰۲
جواد سلحی ۵۰/۰۱/۲۶
حبیب مومنی ۵۴/۰۱/۱۴
خشایا رسنجری ۵۴/۰۱/۲۴
منصور فرشیدی ۵۴/۰۱/۲۴
محمد معصوم خانی ۵۴/۰۱/۲۷
بیژن جزنی ۵۴/۰۱/۳۰
احمد جلیل افشار ۵۴/۰۱/۳۰
محمد چوپا نژاده ۵۴/۰۱/۳۰

۱۲۰۰ میلیارد ریال
سودتجارت در سال ۱۳۵۹

و حزب حقایق دیگری برای توده ها افشا کرده است. آنها اکنون بی می برنده سودی که در این دوساله در بخش تجارت نصیب تجار شده است در تار و پود ریخ ایران بی نظیر بوده و تجار محترم! وابسته به حزب جمهوری اسلامی ز قبل خون صدها شهید و معلول و بیبها بیگاری، آوارگی و خانه خرابی میلیونها زحمتکش هموطن ما، تضییقات گذشته را جبران کرده و ببقول معروف یک شبه راه صد ساله پیموده اند. بقیه در صفحه ۲۱

اگر تاکنون حزب جمهوری اسلامی و پیایگه عمده آن تجار و مکتبی تلاش می کردند تحت شوشش دفاع از توده های زحمتکش و محروم و شعارهای فریبنده با صلاحدید امپریالیستی، ما هیست فریبکارانه، ارتجاعی و ضد خلقی خود را پنهان دارند، اما امروز توده های میهن ما بیش از پیش بی به ما هیست واقعی بین حزب برده اند و مدام حقایق بیشتری برای آنها روشن می گردد. در این میان تشدید تضادهای لیبرالها

اعتصاب غذا و
اعتراض زندانیان
سیاسی

شرایط سخت و دشوار زندانیان و فشارهایی که از سوی رژیم جمهوری اسلامی علیه انقلابیون زندانی اعمال میشود، موج اعتراض و اعتصاب غذای زندانیان سیاسی را برانگیخته است. رژیم جمهوری اسلامی علیرغم دروغها و مباحبه های کذائی حتی در زندان نیز ابتدائی ترین موازین بشری را در مورد زندانیان سیاسی زیر پا گذاشته و شیوه های مختلف سیاست سرکوب و فشار علیه زندانیان سیاسی را اعمال می کند. رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر شکنجه جسمی زندانیان سیاسی، به شکنجه های روحی نیز متوسل می شود اما این اقدامات رژیم نه تنها کمترین خللی در اراده استوار نیروهای انقلابی پدید نخواهد آورد بلکه آنها را حتی در زندان بمبارزه ای بی گیرتر و آشتی ناپذیرتر و ایدارخواهد ساخت. این اقدامات رژیم جمهوری اسلامی تنها از موضع یاس در ماندگی و زبونی رژیم می است که تنهارا به بقاء خود را در سرکوب، شکنجه، اختناق و زندانی کردن نیروهای انقلابی یافته است. بقیه در صفحه ۲۳

روز اول ماه مه را با شکوه هر چه تمامتر برگزار کنیم!

کارگران و زحمتکشان ایران!

روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی و اتحاد جهانی کارگران فرامسرد. در این روز کارگران سراسر جهان اتحاد دو یکبارگی خود را در مبارزه علیه استثمار و استثمار برای رهایی ملسونها انسان ستمدیده از جنگال فقر و گرسنگی بنمایش می گذارند و متحد و یکجا رجه خشم و نفرت خود را نسبت به نظام سرما به داری نشان می دهند.

کارگران و زحمتکشان میهن ما امسال در شرایطی با استقبال این روز بزرگ و تاریخی می تانند که زندگی آنها زیر فشار استثمار و استثمار نظام سرما به داری، جنگ و آوارگی، گران و بیگاری به تنهایی و نابودی تهدید می شود.

رژیم جمهوری اسلامی که از بساخگویی به ابتدائی ترین نیازهای زحمتکشان عاجز مانده است، می کوشد تا توسل به سرکوب و اختناق و سلب آزادیهای سیاسی توده ها، هرمدای سرج زحمتکشان را در گلو خفه کند. منظور بزرگداشت این روز تاریخی و نشان دادن خشم و نفرت خود نسبت به نظام سرما به داری و سیاستهای سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی روز اول ماه مه را با شکوه هر چه تمامتر برگزار کنیم و

برای گسترش مبارزه ضد امپریالیستی، اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) را به روز مبارزه علیه سرکوب و اختناق و ایجاد شوراهای انقلابی تبدیل کنیم

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

**سابقه تاریخی
خیانت های حزب توده**

قسمت اول صفحه ۱۵

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر